

اکثر این افراد در مشاغل خدماتی و کارگری فصلی و غیره به فعالیت مشغول بوده و در بسیاری از ایام سال بیکار می‌باشند و در نتیجه از طریق مشاغل مانند دست‌فروشی روزگار می‌گذرانند. نبود ابتدایی‌ترین امکانات شهری در این محلات بارها صدای اعتراض شهروندان این مناطق را در آورده است.

وضعیت محله شاه پسند از همه جا بدتر است

فاطمه یکی از اهالی محله شاه پسند همدان با اشاره به کم فشار بودن آب لوله‌کشی و قطع مکرر آن در این محله می‌گوید: «مجبور هستیم برای آوردن آب، مدام با دبه به خانه‌های اطراف رجوع کنیم. اما مگر چند بار شود در خانه مردم را زد؟» او هم چنین به رها بودن فاضلاب محله در کوچه‌های خاکی اشاره می‌کند و می‌گوید: «۱۵ سال است مدام از مسئولین می‌خواهیم به وضعیت فاضلاب اینجا رسیدگی کنند، اما هر مسئولی ما را به دیگری حواله می‌دهد.»

ابراهیم هم از نبود لوله‌کشی گاز شهری در محله شاه پسند اظهار نارضایتی می‌کند. او که به گفته خود قلبش را عمل کرده و نمی‌تواند کپسول‌های گاز را برای تعویض بلند کند با ناراحتی می‌گوید: «مجبور هستم مدام از همسایه‌ها برای عوض کردن کپسول‌های گاز کمک بگیرم.» یکی دیگر از زنان ساکن محله شاه پسند هم با اشاره به این که به علت گرانی خانه در محلات دیگر مجبور شده در این جا ساکن شود، می‌گوید: «در زمان ساخت‌وساز شهرداری اجازه ساخت بنا را به ما داد اما اکنون که ساکن آن محله شده ایم هیچ امکاناتی به ما نمی‌دهند و می‌گویند ساخت‌وساز شما غیرقانونی بوده است.»

او ادامه می‌دهد: «اگر ساخت‌وساز غیرقانونی بود چرا شهرداری جلوی ساخت‌وساز را نگرفت؟ چرا حالا که با بدبختی و کارگری خانه ساختیم ما را در محرومیت نگه داشته است؟»

اگرچه وضعیت محله شاه پسند همدان بسیار بحرانی است اما سایر محلات حاشیه‌نشین همدان هم از مشکلات بسیاری رنج می‌برند.

مصطفی به عنوان نمونه به نبود هیچ‌گونه امکانات روشنایی در این محلات اشاره می‌کند. او با مقایسه روشن بودن چراغ‌های بانک‌ها و ساختمان‌های اداری همدان در تمام طول شب با تاریکی مطلق کوچه‌های مناطق حاشیه شهر می‌گوید: «شهروندان حاشیه‌نشین همدان با توجه به بافت نامناسب معابر محل سکونت‌شان، اگر تنها ساعتی از غروب آفتاب بگذرد، در میان تاریکی کوچه‌ها ممکن است حتی در پیدا کردن راه خودشان هم دچار مشکل شوند.» در مواجهه با وضعیت نابهنجار محلات حاشیه‌ای همدان در سال ۱۳۸۳ طرحی به نام توانمندسازی محلات حاشیه‌ای شهر آغاز شد. به گفته اسدی، مدیرعامل شرکت عمران و مسکن‌سازان استان همدان، در چهارچوب این طرح در طول ده سال در مجموع مبلغ ۵۵ میلیارد تومان برای پنج محله حاشیه‌ای این شهر هزینه شده است.

اما به عقیده فعالین اجتماعی و ساکنان مناطق حاشیه‌ای، این طرح در مقایسه با حجم محرومیت مناطق حاشیه‌ای همدان موفق نبوده است.

منوچهر که از فعالین اجتماعی همدان است در باره چنین طرح‌هایی می‌گوید: «در مدت زمان اجرای چنین طرحی نه تنها مشکلات حاشیه شهر همدان رفع نشده بلکه با گذشت زمان و افزایش جمعیت این مناطق مشکلات هر روز بیشتر هم شده است.»

به گفته او، بودجه‌ای که برای محرومیت زدایی از محلات حاشیه‌ای همدان در نظر گرفته شده در قیاس با حجم مشکلات ناچیز بوده و پروژه‌هایی هم که شهرداری و دیگر نهاد اجرا کرده‌اند شامل تمام محلات حاشیه‌ای نبوده است.

با این اوصاف، سوالی که در ذهن شهروندان همدانی پیش می‌آید این است که اولویت شورای شهر و شهرداری همدان با توجه به محدودیت‌های بودجه‌ای کدام باید باشد؟ آیا اجرای پروژه‌های میلیاردی مثل تالار قرآن که بیشتر اهداف ایدئولوژیک را دنبال می‌کنند مهم‌تر هستند یا رسیدگی به وضعیت اسفناک حاشیه‌نشینان همدان؟

به نظر می‌رسد این‌ها سوال‌هایی هستند که منتخبان پنجمین دوره شورای شهر همدان که به زودی انتخاب می‌شوند باید با جدیت به آن‌ها بیندیشند.

تاکستان را با برلین و پاریس مقایسه نکنید!



شورای پنجم و چالش خط آهن در تاکستان

نویسنده: بهاره موسوی

استان: قزوین

شهر: تاکستان

چالش‌ها:

- پروژه‌های ناتمام

- قطار

- نارضایتی عمومی

شهرستان تاکستان با جمعیتی بالغ بر ۱۷۰ هزار نفر، سومین شهر پرجمعیت استان قزوین است. این شهر سال‌هاست که با یک مشکل بزرگ شهری دست و پنجه نرم می‌کند: «عبور خط آهن تهران- تبریز از مرکز شهر تاکستان».

این خط آهن که ۱۳ کیلومتر آن از وسط تاکستان عبور می‌کند علاوه بر تقسیم شهر به دو منطقه مجزا و ایجاد دشواری در رفت و آمد بین شمال و جنوب شهر، از گذشته سبب ایجاد مشکلات عدیده‌ای برای شهروندان تاکستانی شده است. به همین دلیل انتقال این خط آهن به خارج از شهر و یا رفع مشکلات ایجاد شده به وسیله آن، همواره یکی از مطالبات اصلی شهروندان تاکستانی بوده است. مطالبه‌ای که بعد از نزدیک به سه دهه هنوز پاسخی نیافته است.

مشکل عبور راه آهن از مرکز پاکستان چیست؟

حمید یکی از شهروندان تاکستانی است که چند سال است برای خروج راه آهن از مرکز شهر تلاش می‌کند. به عقیده او عبور این خط آهن از مرکز پاکستان تبدیل به یک مانع عمده در برابر توسعه پاکستان و حل مشکلات این شهر شده است.

حمید در این باره می‌گوید: «این خط آهن سیمای شهر پاکستان را به طور کامل از بین برده و با اشغال یکی از بهترین قسمت‌های شهر، امکان گسترش فضاهای تجاری، فرهنگی، و تفریحی پاکستان را هم محدود کرده است.»

او هم چنین با اشاره به اینکه این خط آهن عملاً شهر را به دو قسمت تقسیم کرده و انسجام شهری را از بین برده، می‌گوید: «ترافیک سنگین خیابان‌هایی که از عرض خط آهن عبور می‌کنند، مثل خیابان سید جمال الدین اسدآبادی یکی دیگر از مشکلات ساختاری است که این خط آهن برای پاکستان ایجاد کرده است.»

این خط آهن علاوه بر موانع ساختاری برای توسعه شهر، مشکلات زیادی را برای زندگی روزمره مردم به ویژه ساکنان حاشیه آن ایجاد کرده است و آن‌ها در موارد متعددی به این مساله اعتراض کرده‌اند.

شهناز که از ساکنان حاشیه ریل قطار است با اشاره به خطراتی که عبور قطارها برای فرزندان ایجاد می‌کند می‌گوید: «ما نمی‌توانیم بیست و چهار ساعته از بچه‌های خود مراقبت کنیم. کنجکاو، بچه‌ها را به بازی در مسیر ریل راه آهن می‌کشاند و حاصل آن هم اتفاقات ناگوار است.»

بهمن هم با اظهار ناراحتی از آلودگی صوتی ناشی از عبور قطارها می‌گوید: «ما اصلاً آرامش نداریم و این سرو و صدا در روح و روان ما تاثیر بدی گذاشته است.»

این قصه سر دراز دارد!

بحث انتقال مسیر خط آهن به خارج از شهر، چیزی نیست که تنها در آستانه انتخابات شوراها مطرح شده باشد و سابقه آن به اوایل دهه هفتاد برمی‌گردد.

رجب رحمانی نماینده سابق مردم پاکستان در مجلس مدعی است که در سال ۱۳۷۲ با ارسال نامه‌ای به رئیس جمهور وقت، هاشمی رفسنجانی، خواهان انتقال راه آهن شده و قول‌های مساعدی هم دریافت کرده است.

امیر طاهر خانی نماینده مردم پاکستان در دور هشتم مجلس نیز مدعی است که با پی‌گیری‌های او طرح انتقال راه آهن به خارج از شهر تصویب شده و حتی بودجه آن نیز فراهم شد، اما اجرای این طرح با عوض شدن نماینده شهر مسکوت ماند.

با این حال هیچ کدام از این پی‌گیری‌ها ره به جایی نبرده و مسئولین راه آهن جمهوری اسلامی بارها اعلام کرده‌اند که برنامه‌ای برای تحقق این آرزوی چندین ساله مردم پاکستان ندارند.

تاکستان را با پاریس و برلین مقایسه می‌کنند

حمید درباره استدلال‌های مخالفین انتقال راه آهن می‌گوید: «آن‌ها با مقایسه پاکستان با برلین و پاریس معتقدند که خط آهن جزئی از هویت شهری است و عبور آن از مرکز شهر باعث سهولت دسترسی شهروندان به قطار می‌شود.»

او این استدلال را قانع‌کننده نمی‌داند. به عقیده او شهروندان تاکستانی برخلاف شهرهای بزرگی مثل برلین، استفاده‌کننده اصلی قطارها نیستند و معایب عبور قطار از مرکز شهرشان، بسیار بیشتر از مزیت دسترسی آسان به قطار برای مسافرت‌های هر چند وقت یک بار است.

مخالفین انتقال خط آهن به خارج از شهر هم چنین استدلال می‌کنند که مسافران هنگام عبور از قطار می‌توانند شهر را ببینند و این به دیده شدن بیشتر تاکستان کمک می‌کند. اما به عقیده حمید با کم‌کاری مسئولین شهری در زیباسازی حاشیه ریل قطار، چیز زیادی برای دیده شدن در این مسیر وجود ندارد.

مزایای انتقال خط آهن به خارج از شهر

بهمین درباره مزایای انتقال خط آهن به شمال یا جنوب شهر می‌گوید: «این کار باعث بهبود کیفیت زندگی کسانی می‌شود که در حاشیه خط آهن زندگی می‌کنند.» به گفته او، وحشت از تصادف با قطار به ویژه در مورد کودکان فکر و ذهن اهالی این منطقه را اشغال کرده است و در صورت عملی شدن این طرح مردم می‌توانند نفس راحتی بکشند. احسان هم که مسائل شهری تاکستان را پی‌گیری می‌کند در این باره می‌گوید: «اگر انتقال راه آهن به بالای شهر، پایین شهر و یا به زیر زمین عملی شود، یک خیابان بزرگ در اندازه و به موازات خیابان اصلی شهر ایجاد می‌شود که منافع سرشار و بزرگی را برای تاکستان به ارمغان می‌آورد.»

او ادامه می‌دهد: «یک لحظه تصور کنید از میدان دادگستری تا میدان سیلو خیابانی حدوداً ۴۰ متری بدون هیچ گونه تملک، عقب نشینی و دردسرهای دیگر ایجاد شود.» به عقیده او با این انتقال، ترافیک خیابان‌های اصلی تاکستان برای همیشه حل شده و شهرداری هم می‌تواند از ساخت وسازها و فروش تراکم و ایجاد واحدهای صنفی در حاشیه این خیابان، درآمد سرشاری را کسب کند و آن را صرف آبادانی و زیبای شهر تاکستان نماید. احسان معتقد است با این درآمد می‌توان پاساژهای زیبا و مدرن، پارکینگ، فضای سبز و ده‌ها پروژه و طرح مختلف را اجرا کرد.

شورای پنجم و پایان داستان راه آهن در تاکستان

با وجود کشمکش‌های طولانی بین نمایندگان ادوار پیشین تاکستان در مجلس با مسئولین راه آهن جمهوری اسلامی بر سر پروژه انتقال خطوط راه آهن، اما شوراهای شهر تاکستان حضور خاص و تاثیرگذاری در این مساله نداشته‌اند، حال آن‌که حل مشکلات به وجود آمده برای شهروندان بیش و پیش از همه به شورای شهر برمی‌گردد.

به عقیده حمید، شهر تاکستان نیاز به اجماع و یک تصمیم نهایی برای حل این مشکل دارد: «اگر قرار بر این است که خط آهن منتقل شود باید شورای پنجم به همراه دیگر مسئولین محکم بر سر این خواسته بایستد و آن را تا پایان دوره خود عملی کند و اگر انتقال راه آهن ناممکن تشخیص داده می‌شود، این شورا باید اقدامات گسترده‌ای را برای ایمن‌سازی و زیباسازی حاشیه خطوط راه آهن انجام دهد.»

نصب صداگیرها در حاشیه خطوط راه آهن که می‌تواند کار دیوار حائل را هم انجام دهد، ایجاد فضای سبز در حاشیه راه آهن و احداث زیرگذرها و روگذرهای که به لحاظ مهندسی در آینده تولید اشکال نکنند از راه‌حل‌هایی است که در صورت عملی نشدن انتقال خط آهن به خارج از شهر باید در دستور کار شورا و شهرداری تاکستان قرار گیرد.

با این حال بدون یک تصمیم‌گیری نهایی درباره سرنوشت این خط آهن انجام هیچ کدام از این کارها عملی نیست. شورای پنجم تاکستان می‌تواند محلی برای گرفتن این تصمیم باشد.

نامزدهای شورا و مدیریت شهری در اصفهان



۴۰۵



نویسنده: فولادگر

استان: اصفهان

شهر: اصفهان

چالش‌ها:

• رقابت‌های انتخاباتی

• کاندیداها

• انتخابات شورای پنجم

۸۴۵ نامزد قرار است در ۲۹ اردیبهشت، هم‌زمان با انتخابات ریاست جمهوری، خود را در معرض انتخاب مردم اصفهان قرار دهند؛ از میان آن‌ها، ۱۳ نفر بر کرسی‌های شورای شهر یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفری اصفهان تکیه خواهند زد.

رقابت نامزدهای شوراها در اصفهان این روزها به قدر لازم، داغ شده است. کمتر کوچه و خیابانی است که از پلاکارد و پوستر و تراکت نامزدهای شورا، پر نشده باشد و خیلی از ماشین‌ها، عکس و شعار برخی نامزدهای شوراها را علاوه بر نامزد محبوب خود در انتخابات ریاست جمهوری حمل می‌کنند و برای دیگران تبلیغ.

یک نکته قابل تأمل، شمار بالای نامزدهایی است که بدون تجربه اجرایی در مدیریت یا حتی تخصص لازم، خود را در معرض انتخاب مردم اصفهان قرار داده‌اند؛ ظاهراً ترکیب شوراهاى اصفهان در چهار دوره گذشته، خیلی‌ها را وسوسه کرده که شانس خود را بیازمایند.

ادعای گزافی نیست اگر گفته شود که تقریباً در هر فامیل و خاندانی، نامزدی برای انتخابات شوراها وجود دارد؛ وضعی که از یک سو می‌تواند تهدیدی برای کیفیت شورای پنجم اصفهان باشد و از طرف دیگر، به سود فهرست‌های اصلی جناح‌های سیاسی رقیب؛ چرا که خیلی‌ها را به نوشتن یک فهرست، و نه انتخاب منفردان ترغیب می‌کند.

وعده‌ها، ادعاها و شعارهای بی‌پشتوانه

با اطمینان می‌شود گفت که تقریباً کمتر نامزدی در انتخابات شوراها اصفهان وجود دارد که از آب زاینده‌رود سخن نگوید. این درحالی است که معلوم نیست وعده‌ها و ادعاهای مطرح شده در این خصوص با چه پشتوانه اجرایی و عملیاتی مطرح می‌شود. با وجود این، جایگاه ویژه زاینده‌رود برای اهالی اصفهان، و نیز وضع تاسف‌بار آن در سال‌های اخیر، عملاً زاینده‌رود را به بهانه و مستمسکی مناسب برای تبلیغ و خودنمایی نامزدها تبدیل کرده است.

فراتر از این، وعده‌های مرتبط با حوزه کلان اقتصاد (از جمله رفع مشکل بی‌کاری و گرانی در اصفهان، یا احیای کارخانه‌ها و کارگاه‌های تعطیل شده یا درگیر رکود تولید و بدهکار به بانک‌ها) از دیگر شعارها و وعده‌هایی است که در میان تبلیغات نامزدهای شوراها جلوه‌گری می‌کند. وعده‌هایی که در سطحی، قابل فهم است؛ اما از آن جهت که با وضع کلان اقتصاد ایران پیوند خورده، معلوم نیست با چه پشتوانه‌ای مطرح و تبلیغ می‌شود.

نازنین یکی از فارغ‌التحصیلان بیکار اصفهان که در این روزها در ستاد یکی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری فعال است و هم‌زمان با برخی نامزدهای شوراها و تبلیغات آن‌ها مرتبط، می‌گوید: «بعید می‌دانم خیلی از جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاه، فریب این ادعاها و وعده‌ها را بخورند. بالاخره حدی از تحلیل و درک و شعور سیاسی و اجتماعی در میان بیکاران وجود دارد؛ بعید است کسی به صرف طرح این شعارها، بتواند راهی شوراها شود. آن‌هم نهادهای که قرار است در آن مدیریت شهری صورت بگیرد و خدمات شهری بهتر شود.»

لیلا دوست نازنین که او هم دانش‌آموخته دانشگاه است و در جستجوی کار، ضمن تأیید نظر دوستش اضافه می‌کند: «حل مشکل اقتصاد و کار و تورم، فراتر از توان نامزدهای شوراهاست. حتی حل مشکل آب زاینده‌رود هم در نهایت منوط به اقدام نهادهای اجرایی اصلی کشور است. متأسفانه برخی نامزدها وعده‌های غیرعملی و بدون ضمانت اجرایی می‌دهند. در شهری مثل اصفهان دیگر دوران آن گذشته که مردم فقط به سیما و عکس یک نامزد رأی بدهند یا به خاطر برخی ادعاها و شعارهایش، او را روانه شورا کنند.»

در چنین وضعی، به نظر می‌رسد که اسامی حاضر در فهرست‌های مورد حمایت و تبلیغ جناح‌های سیاسی اصلی فعال در کشور و اصفهان، هم‌چنان شانس بیشتری برای کامیابی دارند.

با وجود این، نامزدهای مستقل هم چنان امیدوارند و مشغول به تبلیغ در سطح شهر. اغلب آن‌ها از کانال‌های تلگرام بهره می‌گیرند و شماری در سطح شهر، حضور مستقیم دارند و به گفت‌وگو با مردم در دفترهای خودشان مشغول. آن‌ها امیدوارند که بتوانند با این رابطه بی‌واسطه، خود را معرفی و تبلیغ کنند و راهی شورای شهر شوند.

اما این نامزدها چه می‌گویند؟ با برخی از آن‌ها به گفت‌وگو پرداختیم تا کیفیت ادعاها و توان تخصص آن‌ها مشخص شود.

نامزدها چه می‌گویند؟

یکی از این کاندیداها، آقای میان‌سالی است که خود را «اصلاح‌طلب» می‌داند؛ او مهندس عمران است و می‌گوید: «شورای پنجم اصفهان و شهرداری آن می‌توانند با تکیه بر پروژه‌ها

و برنامه‌هایی که در شهرهای بزرگ جهان، کارنامه موفقی داشته، خوبتر از قبل شهر را مدیریت کنند.»

او می‌گوید: «دلیلی وجود ندارد که ما از صفر شروع کنیم؛ من برخی از تجربه‌های موفق در برخی از پایتخت‌های جهان و از جمله در آسیا را گردآورده‌ام، و پس از پیروزی حتماً آن‌ها را برای اجرا در شورا مطرح خواهم کرد.»

یکی دیگر از نامزدها، خانمی میان سال است؛ او حقوق خوانده و در دفتری به وکالت مشغول؛ وی می‌گوید: «شوراهای قبلی نتوانسته‌اند مشارکت مردم را در اداره امور شهر و تغییر و بهبود وضع، آن‌طور که شایسته اصفهان و سابقه فرهنگی و تاریخی آن است، ایجاد کنند.» او با اشاره به تأسیس مرکزی در شهرداری اصفهان با عنوان و مضمون «مشارکت»، می‌افزاید: «این مرکز از حدود ۱۰ سال پیش ایجاد شده ولی تا جایی که من خبر دارم فقط در حوزه ساخت‌وساز شهری مشغول است؛ درحالی که می‌توان از این امکان برای حوزه‌های مهمی مانند گردشگری و توریسم و نیز موضوع صنایع دستی اصفهان بهره‌برداری مثبت و مفید کرد. چیزی که در تقلیل بیکاران و افزایش رفاه شهر هم موثر است.»

خانم دیگری که پوستره‌های تبلیغاتی او حواشی زیادی داشته، و کارشناس گردشگری است، برنامه خود را در صورت پیروزی بهبود وضع گردشگری شهر با تکیه بر صنایع دستی و تغییر وضع آب زاینده‌رود می‌داند.

او که در چهارباغ و در ستادش مشغول به تبلیغ است، توضیح می‌دهد که «اصفهان با برخی شهرهای جهان خواهرخوانده است اما متأسفانه مدیران شهری از این امکان بهره‌برداری مفید نکرده‌اند. اگر بشود صنایع دستی را از این طریق معرفی و تبلیغ و صادر کرد، خیلی وضع شهر تغییر می‌کند. از این طریق نه فقط تکانی در صنایع دستی اصفهان که کشور رخ می‌دهد. کارآفرینان اصفهان می‌توانند روی پتانسیل گردشگری حساب کنند؛ اگر ببینند مدیران شهر پشت آن‌ها هستند و هم‌دلند.»

یک نامزد دیگر که مهندس کشاورزی است و تنها در تلگرام فعال است و در دفتر خود در خیابان امام پاسخ‌گوی مراجعان و مشغول به تبلیغ برنامه‌هایش است، ادعا می‌کند که «من نمی‌گویم که برای بحران آب اصفهان و زاینده‌رود برنامه دارم؛ اما مدعی هستم که می‌شود با تحمیل برنامه‌هایی به کشاورزی منطقه و اهالی اصفهان، وضع آب زاینده‌رود را خیلی زود تغییر داد و از این راه سالانه میلیون‌ها دلار پول وارد شهر کرد.»

او می‌افزاید: «من پولی برای تبلیغ بیشتر ندارم، اما با همین امکان تلگرام و همین دفترم، مردم را با خودم آشنا می‌کنم.» وی هم چنین تأکید می‌کند: «مردم نباید نامزدهایی را انتخاب کنند که دنبال رانت هستند و سوءاستفاده سیاسی از شورا.»

اما در سطحی فراتر از این نامزدهای مستقل، با یکی از نامزدهای مطرح در یکی از فهرست‌های انتخاباتی هم امکان گفت‌وگو پیدا کردیم؛ او معتقد است که «نحوه رابطه و تعامل مردم اصفهان و شورای شهر و شهرداری باید کاملاً قانونمند شود و مبتنی بر رعایت حداکثری حقوق شهروندی آن‌ها. این کاری است که باید توسط شورای شهر و در واقعیت، و نه در سطح شعار به وقوع بپیوندد.»

وی هم چنین اضافه می‌کند که «حل مشکلات متعدد و رنگارنگ شهر اصفهان فراتر از توان یک نفر است؛ نیاز به تخصص‌های گوناگون و تکیه بر تجربه‌های مختلف دارد. مردم باید به فهرستی رأی بدهند که شامل این تخصص‌ها و برخوردار از توانایی تجربی و عملی کافی باشد و البته صداقت لازم و انگیزه کافی برای تعقیب برنامه‌هایش و جدیت لازم برای اجرای آن‌ها را داشته باشد.»

او تاکید می‌کند که بخش عمده درآمد شهرداری اصفهان از محل فروش تراکم و اخذ عوارض تأمین می‌شود و «طبیعی است که این درآمد هم با میزان رونق اقتصادی و شرایط کلی آن در کشور در پیوند است. اما باید به سطح دیگری از درآمد و راه‌های دیگری فکر کرد.» این نامزد شوراها، «توریسم و گردشگری» را یکی از این راه‌ها معرفی می‌کند.

نکته قابل توجهی در سخنان این نامزد هست که دیگران به آن اشاره نداشتند: «واقعیت این است که شورا و شهرداری و هر نهاد و ارگان مدیریتی دیگری، نیازمند فشار اجتماعی و نظارت هستند؛ این وظیفه‌ای است که بردوش مردم است؛ آن‌ها نباید فقط به انتخاب نامزدها اکتفا کنند. مردم باید پس از انتخاب پیگیر تحقق وعده‌ها و برنامه‌ها و شعارها باشند. بدون این پی‌گیری و مطالبه حقوق مدنی و اجتماعی توسط مردم، هر نهاد و مسئولی، ممکن است دچار کاهلی و سستی و کاستی در اجرا شود و خدای نکرده حتی از موقعیت خود سوءاستفاده کند.»

گزینش ۱۳ نفر از میان ۸۴۵ نامزد برای شورای پنجم اصفهان، کار آسانی نیست؛ باید دید اکثریت مشارکت‌کنندگان در انتخابات پیش‌رو در اصفهان، چه ترکیبی را برای مدیریت شهری این شهر تاریخی و اقتصادی و فرهنگی و توریستی ایران ترجیح می‌دهند.

شورای پنجم مشهد و تبلیغات نامزدها



نویسنده: ماندگاری

استان: خراسان رضوی

شهر: مشهد

چالش‌ها:

• رقابت‌های انتخاباتی

• کاندیداها

• انتخابات شورای پنجم

جمعه که فرا رسد، آن دسته از اهالی مشهد که امکان مشارکت در انتخابات دارند باید از فهرستی شامل ۸۵۷ نامزد، ۱۵ نفر مطلوب خود را برای حضور در شورای پنجم این شهر انتخاب کنند.

در نگاه اول، این کار سختی نیست؛ اما کافی است در خیابان‌ها و کوچه‌های مشهد راه بروید و در برابر پوسترها و تراکت‌ها و پلاکاردهای مختلف قرار بگیرید یا ماشین‌ها با عکس نامزدهای رنگارنگ از برابر شما رژه برونند تا بفهمید انتخاب ۱۵ نفر چه کار دشواری است! ادعاها و شعارها و وعده‌های مختلف صدها نامزد، علاوه بر فهرست مفصل و گاه عجیب و غریبی که آن‌ها از توانایی‌ها و تخصص خودشان ارائه کرده‌اند، از یک طرف موجب حیرت می‌شود و سرگیجه، از طرف دیگر باعث شور و امید است که این همه توجه به شورا به عنوان نهادی مدنی وجود دارد، و از طرفی هم پیش‌بینی نتیجه انتخابات را سخت می‌کند.

تعدد نامزدها و شکستن آرا توسط نامزدهای مستقل اما به احتمال زیاد در نهایت به نفع فهرست‌های اصلی انتخابات تمام شود.

از «پسر شجاع» تا «پسر شهید»

در هر کوچه و خیابانی و بر اغلب تیرهای چراغ برق و دیوارها، پلاکارد و پوستری آویزان شده؛ کم نیستند مغازه‌هایی که عکس یا پوستری از یک نامزد را پشت شیشه خود نشانده‌اند. در میان تبلیغ‌های جدی، تبلیغ نامزه‌ای وجود دارد؛ یکی از نامزدها با استفاده از نام فامیلی‌اش، خودش را با تصویری از «پسر شجاع» شخصیت کارتونی معروف سال‌های نه چندان دور برنامه کودک، معرفی کرده است. قابل تأمل این که، او کارشناس ارشد مدیریت است و در دو دوره شورای شهر، دبیر یکی از کمیته‌های نظارتی شورای مشهد، اما ظاهراً برای حضور در شورا، علاوه بر تخصص خود، نیاز به خلاقیت بیشتری دیده است که در کنار عکسی از «پسر شجاع»، تاکید کرده: «نماینده شهر ما باید شجاع باشد».

اما در سویی متفاوت، یکی از نامزدهای شورا هم خود را با عکس پدر شهیدش معرفی و تبلیغ کرده است. پدر این نامزد از فرماندهان ارشد نیروی زمینی سپاه بوده؛ حالا عکس و نام پدر، پشتوانه‌ای و شانسی برای کامیابی و پیروزی پسر در انتخابات شورا شده است. آیا چنین اقدامی درست است؟ آیا بدون اشاره به توان تخصصی خود، تکیه بر کارنامه و اعتبار پدر، صحیح است؟ طبیعتاً این مردم هستند که در روز انتخابات به این پرسش‌ها پاسخ خواهند داد و در نهایت تصمیم خواهند گرفت.

پیروزی با طعم شکلات، اعتراض با طنز

تبلیغ نامزدها با استفاده از امکانات در اختیار متنوع و متفاوت است؛ یکی دیگر از نامزدهای شورای پنجم مشهد، شعار انتخاباتی خود را با تکیه بر نام فامیلی‌اش چنین طراحی کرده: «با مدیریت صحیح شهری، مشهد را مشعوف خواهیم ساخت».

نکته جالب توجه اینکه این «مهندس» که سابقه خود را در سازمان نظام مهندسی و برخی موسسه‌ها در تبلیغ‌اش فهرست کرده، از «آبوبات و شکلات» هم در کنار تبلیغ خود بهره برده؛ شاید خواسته است پیشاپیش کام حامیان خود را از پیروزی و عضویت‌اش در شورا، «شیرین» کند.

شورای کاشمر؛ رقابت ۸۰ نامزد برای ۷ کرسی



نویسنده: مازیار

استان: خراسان جنوبی

شهر: کاشمر

چالش‌ها:

• رقابت‌های انتخاباتی

• کاندیداها

• انتخابات شورای پنجم

رقابت ۸۰ نامزد شامل ۶۸ مرد و ۱۲ زن برای ورود به شورای پنجم کاشمر به اوج خود رسیده است. شورای پنجم کاشمر برخلاف دورپیش، میزبان ۷ نفر خواهد بود. اعضای این شورا باید شهری با بیش از ۱۶۸ هزار نفر مدیریت کنند و برای بهبود وضع آن و رفاه همشهريان خود بکوشند.

رقابت نامزدها در کاشمر از همان ساعت نخستین روز ۲۱ اردیبهشت و با نصب پلاکارد توسط برخی نامزدها آغاز شد و خیلی زود، شدت یافت. نامزدهایی که کار تبلیغات را از قبل برنامه‌ریزی و دفتر و ستاد خود را مهیا کرده بودند، ساعتی را از دست ندادند و پلاکاردها و پوستره‌های خود را از همان روز اول، پنجشنبه گذشته پیش چشم اهالی کاشمر قرار دادند.

حالا دیگر کمتر خیابان و محله‌ای از عکس و پوستر نامزدها خالی است. از باغ مزار گرفته تا مزار مدرس و از سیدمرتضی گرفته تا میدان آزادی و خیابان امام و خیابان قائم، پر شده از تبلیغ

نامزدهای شورا. تبلیغاتی که در کنار تبلیغ نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری، حال و هوای شهر را عوض کرده است.

شعارهای جذاب، تصاویر رنگارنگ

همان طور که قابل حدس بود، اغلب نامزدها برای جلوه‌گری در چشم اهالی کاشمر، کم نگذاشته‌اند؛ آن‌ها تلاش کرده‌اند با طرح شعارهای جذاب و انتشار تصاویر خاص از خود، دل‌های بیشتری را بفریبند و رأی بیشتری گرد آورند.

«از مردم برای مردم؛ متعهد و عمل‌گرا»؛ این شعار یکی از نامزدهای زن است؛ او وعده داده که بودجه شهر را با نگرش به مناطق محروم، توزیع خواهد کرد؛ اما وعده‌های دیگری هم دارد: «پی‌گیری جدی مطالبات ورزشی و کاری زنان و جوانان». او نگفته که چطور می‌خواهد مشکل بی‌کاری را در کاشمر و در متن وضع کلان اقتصاد بهبود ببخشد.

نامزد زن دیگری که مهندس است اما تاکید کرده که از «صداقت در گفتار» و «سلامت در عمل» برخوردار است و به «مدیریت تخصصی» و «مشارکت همگانی» می‌اندیشد. او هم مثل بسیاری دیگر از نامزدها، برنامه مشخص و عملیاتی برای تغییر وضع کاشمر و رفاه بیشتر اهالی ندارد.

«رأی تو، سعی من، فردایی بهتر»؛ «آمده‌ام نقش خاطره زبم»؛ «اندیشه جوان، برای آینده جوانان»؛ «آمده‌ام تا باورهای کهنه را پاک کنم»؛ «شهر من، آبادانی حق توست»؛ «شهر من تاریک نخواهد ماند؛ روشنایی در راه است»؛ و «مردی از جنس مردم»؛ برخی از شعارهایی هستند که روی پلاکاردها و پوستره‌های رنگارنگ خودنمایی می‌کنند.

«حمایت از حقوق شهروندی»، «برنامه‌ریزی و توسعه شهری»، «آبادانی»، و «مشارکت اجتماعی» سرفصل اغلب شعارها و تیتیر برنامه‌های نامزدهاست.

اما در کنار تصاویر رنگارنگ و شعارهای کلی و به ظاهر جذاب، آنچه که نیست و جای خالی‌اش برای شهروندان جستجوگر به وضوح خالی است، برنامه برای تحقق شعارهاست.

استفاده از تمامی اشکال تبلیغ

نامزدهای انتخابات شوراها در کاشمر تنها به انتشار و نصب پوستر و پلاکارد و توزیع تراکت و بروشور اکتفا نکرده‌اند؛ خیلی از آن‌ها در این روزها در سطح شهر، و به خصوص در اطراف میدان آزادی و خیابان‌های امام و بهبودی و قائم و خرمشهر دیده می‌شوند؛ جایی که ستادها و دفاتر تبلیغاتی خیلی از آن‌ها نیز مشغول به فعالیت است.

گروه‌های تلگرامی و کانال‌های تلگرامی نیز یکی از مهم‌ترین وسایل اطلاع‌رسانی و تبلیغ نامزدها شده است؛ در کمتر گروه و کانال محلی است که بحث انتخابات شوراها، در کنار انتخابات ریاست جمهوری مطرح نشود. اگرچه با اطمینان می‌شود گفت که انتخابات شورا زیر سایه انتخابات رییس جمهوری قرار گرفته است.

حضور برخی نامزدها در مراسم جشن و عروسی و نیز آیین‌های تشییع و تدفین و ختم نیز محسوس است؛ هم‌چنان که تلاش آن‌ها برای استفاده از ستادهای انتخابات ریاست جمهوری به عنوان امکانی برای معرفی هرچه بیشتر خود و نیز تبلیغ مواضع سیاسی و رویکردهای اساسی.

حاشیه‌های جذاب در تبلیغات

طیف افرادی که نامزد هستند متنوع است؛ یک نکته جالب توجه این که در میان نامزدهای شورای پنجم کاشمر، نام پنج شهردار اخیر این شهر خودنمایی می‌کند. علاوه بر آن‌ها، در میان



نامزدها از فرماندار سابق کاشمر گرفته تا رئیس برخی ادارات، و از کارمند ساده گرفته تا فعال سیاسی، و نیز از پزیشک و روانشناس و فرهنگی و استاد دانشگاه گرفته تا مهندس و هنرمند و وکیل و روحانی، همه نوع و قشر نامزد وجود دارد.

نامزدهای مستقل تلاش کرده‌اند تا بر هر شکل خود را برای اقشار مختلف کاشمر جذاب کنند؛ مثلاً یکی از نامزدها که دانشجوی دکترای کشاورزی است مدعی شده که «حامی ورزشکاران و کوهنوردان و تاکسی‌داران و کسبه و بازار» است.

اغلب نامزدها جز فهرست کردن مشخصات خود، و سابقه تحصیلات‌شان چیز بیشتری برای عرضه مستقیم ندارند. به بیان دیگر، مردم باید به صرف تخصص آن‌ها، بپذیرند که آنان توان اداره شهر و بهبود وضع را دارا هستند.

به عنوان نمونه، یک روحانی نامزد شورای شهر فقط تأکید کرده که «عضو کمیته فرهنگی دانشگاه آزاد» است و در «عقیدتی سیاسی» یکی از مراکز مشغول به کار و نیز سابقه همکاری با «تربیت معلم» دارد.

قابل تأمل‌ترین که یکی از نامزدها به همین مقدار بسنده کرده که «خادم‌الرضا» ست؛ یعنی در حرم امام هشتم شیعیان، جزو خادمان است. او ضرورتی ندیده که از تخصص و تجربه‌اش برای اداره شهر بگوید.

کم هستند نامزدهایی که مثل یکی از زنان داوطلب، در تبلیغات خود تأکید کرده باشند که سابقه دو دوره ریاست بر شورای دهی را در کارنامه دارند و به تعبیری، با شورا و کارویژه‌هایش بیگانه نیستند.

در میان انبوه تبلیغ ۸۰ نامزد و فهرست‌ها، چند نفر هم تأکیدی جالب دارند؛ آن‌ها به شهروندان کاشمری گفته‌اند که «حاضر به من رأی ندهید، ولی برای رفع سیاست‌زدگی شهر، به بهترین‌ها رأی بدهید. به کاندیداهای مستقل که وامدار کانال‌های قدرت نشده‌اند رأی بدهید.»

رقابت لیست‌های اصلی

در رقابت انتخاباتی دوره پنجم شورا در کاشمر، یک نکته جالب توجه ارائه لیست‌های مشترک توسط برخی جناح‌های سیاسی و برخی اصناف و نیز منفردان و متخصصان است. البته اصلاح‌طلبان همواره با یک فهرست در انتخابات حاضر می‌شدند؛ اما این بار اصول‌گرایان هم بر فهرستی واحد و هفت نفره وحدت کرده‌اند. بازاریان و اصناف کاشمر نیز برای نخستین بار به صورت یکپارچه و با یک لیست در رقابت وارد شده‌اند. فهرست دیگری هم در کنار سه فهرست اصلی مزبور خودنمایی می‌کند که متشکل از هفت نامزد متخصص است.

قابل اشاره این‌که در فهرست اصلاح‌طلبان، پنج نامزد سابقه عضویت در شورای کاشمر را دارا هستند و در فهرست اصول‌گرایان هم سه نفر سابقه عضویت در شورای این شهر را دارند.

نکته غریب و قابل تأمل این‌که جز در یک فهرست، در بقیه لیست‌ها نام و تصویر هیچ نامزد زنی در بین هفت نفر معرفی شده وجود ندارد؛ و به بیان دیگر، نه اصلاح‌طلبان، نه اصول‌گرایان و نه بازاریان کاشمر ضرورتی ندیده‌اند که از بین ۱۲ نامزد زن حتی یک نفر را در لیست خود معرفی و تبلیغ کنند.

آیا این به معنای بی‌توجهی به نیمی از جمعیت شهر نیست؟ آیا در بین ۱۲ نامزد زن حتی یک نفر هم شایسته حضور در شورا نیست؟ آیا صلاحیت تمامی نامزدهای معرفی شده در فهرست‌های مزبور از ۱۲ زن نامزد بیشتر است؟

این‌ها پرسش‌های مهمی هستند که پاسخ‌شان هم‌چون جواب این سوال اساسی که شورای آتی درنهایت چه ترکیب تخصصی و سیاسی خواهد داشت ۲۹ اردیبهشت و در جریان انتخاب مردم کاشمر، مشخص خواهد شد.

مسئولیت متفاوت شوراهان نسبت به معلولان



۴۱۵



امکانات شهرهای کوچک و بزرگ یکسان نیست

نویسنده: پوران سعیدی

استان: آذربایجان شرقی

شهر: -

چالش‌ها:

• رقابت‌های انتخاباتی

• حقوق معلولان

• روستاها

تنش را روی زمین می‌کشد، دو دمپایی پلاستیکی در دو دستش کرده و خود را توی حیاط خاکی سر می‌دهد تا به در چوبی ورودی خانه برسد. بالاخره می‌رسد و کاغذ رنگینی را که باد از زیر در به حیاط انداخته برمی‌دارد. عکس را می‌بیند و می‌شناسد. می‌گوید «پسر حاج اسماعیل است.» اما نوشته را نمی‌تواند بخواند. برایش می‌خوانم: رای به حسین س. کاندیدای اصلح شورای شهر، یعنی آوردن امکانات تبریز به محل زندگی شما!

آگهی تبلیغاتی کاندیداهای شوراهای شهر و روستا برای زنی میان سال که همه زندگی‌اش را با کم توانی جسمی در سخت‌ترین شرایط گذرانده و حتی امکانات سوادآموزی در حد خواندن و نوشتن هم نداشته، چه معنی‌ای دارد؟ با خنده‌ای آمیخته به شرم و با عجله می‌گوید: «من به

کسی رای می‌دهم که برایم یک صندلی چرخ‌دار بخرد.»
حشمت ۵۱ ساله است. همه عمرش را در روستایی سپری کرده که چند سالی است شهر شده است. زمانی توان راه رفتن داشته، اما به گفته خودش، «سال‌هاست تنش را روی زمین می‌کشد.» خواهر و برادرهایش ازدواج کرده‌اند و هر یک کوچ کرده‌اند و در شهری دیگر به سر زندگی خود رفته‌اند. پدرش درگذشته و مادرش هم به دلیل کهولت سن حال خوشی ندارد و اغلب بیمار است، اما با این وجود از حشمت هم نگهداری می‌کند. حشمت تنها یک نمونه از شهروندان بسیاری است که نیازهای ویژه‌ای دارند.

مسئولیت شورای شهر در قبال افرادی با نیازهای خاص چیست؟

می‌پرسم آیا تا کنون صندلی چرخ‌دار را از نماینده شورای شهرتان خواسته‌ای؟ پاسخش سکوتی همراه لیخند است با چاشنی یک «نچ» کوتاه. اصرار که می‌کنم، می‌گوید: «آخر من خجالت می‌کشم! با آدم‌های مهم که نمی‌شود به این راحتی حرف زد!»

رقیه ب. همسایه حشمت، کسی است که مرا به دیدن او برده است؛ چرا که قول داده‌ام درباره مشکلات بزرگ آدم‌های خیلی معمولی بنویسم. می‌گوید: فصل پاییز گذشته یک روز به کمک یکی از اهالی محل که ماشین دارد، حشمت را برای دکتر به تبریز بردیم. مریض بود. مدام خون دماغ می‌شد و کسی نبود که به او رسیدگی کند. دکتر گفت فشار خونش خیلی بالا بوده و شانس آورده که سکنه نکرده است. یک روز تمام در درمانگاه و آزمایشگاه و راه بودیم. این دختر بی‌نوا کسی را ندارد و مادر پیرش هم توان و امکانات نگهداری از او را ندارد. یک امکانات اولیه زندگی برایش کافی است و هر چند ماه یک بار رفتن به دکتر. اما او امکانات این کار را ندارد.

به گفته خانم رقیه ب. در دو دوره قبل، حدود هشت سال پیش، قبل از شهر شدن این جا، به همت شورای روستا و با کمک مردم برای حشمت یک ویلچر خریداری شد. یک بار که آن ویلچر خراب شد. حشمت دیگر از آن صندلی چرخ‌دار به ندرت و تنها برای کارهای ضروری استفاده می‌کند. او که در کودکی دوست و هم بازی حشمت بوده، می‌گوید: حشمت وقتی بچه بود می‌توانست راه برود. حتی تا اوایل جوانی هم راه می‌رفت. اما رفته رفته وضعیتش بدتر شد. اگر دسترسی مناسبی به درمان داشت شاید الان در چنین وضعی زندگی نمی‌کرد. الان می‌گویند شورای شهر وظیفه دارد برای معلولان امکانات مناسب شهری فراهم کند، اما افرادی با شرایط حشمت به امکانات اولیه زندگی هم راضی‌اند و امکانات شهری معلولان برای ما خواسته‌ای رویایی به حساب می‌آید.

از او درباره تأثیر آموزش و بهبود استانداردهای بهداشتی بر وضعیت افرادی با شرایط حشمت می‌پرسم، می‌گوید: این‌ها خوب است، اما برای کسی با شرایط و سن و سال حشمت دیگر به درد نمی‌خورد. مثلاً ما یک هم ولایتی دیگر هم داشتیم که دختری با معلولیت جسمی و ذهنی داشت. آن‌ها به تهران مهاجرت کردند و اکنون دخترشان هم به مدرسه می‌رود و هم از امکانات بهزیستی برخوردار است. امکاناتی که در تهران و تبریز هست این جا نیست. وقتی حشمت بچه و نوجوان بود شرایط جسمی‌اش خیلی بهتر از کودک آن خانواده بود، اما عدم رسیدگی و نداشتن امکانات و فقر سبب شد اکنون چنین شرایطی داشته باشد. مسلم است که اگر شورای شهر و شهرداری و نمایندگان مجلس و دولت امکانات مناسب به مناطق دور از مرکز بیاورند، وضعیت زندگی همه، از جمله معلولان، بهتر می‌شود.

خانم رقیه ب. در خصوص شعاری که روی آگهی تبلیغاتی کاندیدای شورای شهر مبنی بر آوردن امکانات تبریز به محل زندگی‌شان نوشته شده، می‌گوید: البته این‌ها تبلیغ است که مربوط به زمان انتخابات است، اما واقعاً طی این سال‌ها شورای شهر و قبالا شورای روستا برای مردم هم

کار کرده‌اند. مثلاً همین خیابان‌های آسفالت را ما نداشتیم. اصلاً خیابان‌کشی درست و حسابی نداشتیم. این‌ها بعد از آمدن شورای شهر و شهرداری درست شد. اما اگر شورا بتواند به افرادی که کمک بیشتری لازم دارند هم رسیدگی کند، خیلی خوب است. حتماً این‌ها راه‌حل‌هایی دارد و ما انتظار نداریم شورا از جیب اعضایش به مردم خدمت کند.

در اولین ماده از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران که در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسیده، آمده است: «پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد و به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آن، شورای عالی استان‌ها مرکب از نمایندگان شوراهای استان تشکیل می‌شود.»

اولویت پرداختن به حقوق معلولان

آیا پرداختن به حقوق معلولان از اولویت‌های اجتماعی و بهداشتی کشور به شمار نمی‌آید که برای آن برنامه‌ریزی شود و برای پیشبرد سریع آن کوشش شود؟

موضوع فقط به شهرها و روستاهای دور از مرکز محدود نمی‌شود. عدم رسیدگی به توان خواهان حتی در پایتخت هم چنان چشمگیر است که سبب نارضایتی گسترده جامعه معلولان شده است. چنانچه عضو نایب‌نای شورای شهر تهران کاندیداهای انتخاباتی را به حساسیت داشتن نسبت به وضعیت جامعه معلولان دعوت می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد که برنامه‌های موجود را در این راستا اصلاح کنند. علی صابری می‌گوید: معلولان اعانه بگیر نبوده و به دنبال کسب حقوق‌شان در جامعه هستند. جامعه معلولان از وضعیت کنونی راضی نیست.

همین اظهارنظرها نشان می‌دهد استاندارد زندگی و توقعات معلولان در مناطق مختلف و با شرایط زندگی متفاوت، با هم فرق دارد. معلولیت همراه با فقر آموزشی و اقتصادی و بهداشتی شرایطی را برای افراد نیازمند، فراهم می‌کند که توان خواهانی که امکانات آموزشی و اقتصادی بهتر در اختیار دارند، هرگز با آن مواجه نبوده‌اند. شاید از همین جهت است که شوراها به عنوان منتخب مردم هر منطقه می‌توانند مشکلات و مصائب مردم همان منطقه را بهتر درک کنند و از همین رو می‌توانند کارکرد بهتری داشته باشند.

علی صابری، عضو نایب‌نای شورای شهر تهران، خود حقوق‌دان است و از وکلای بنام و گران قیمت کانون وکلای دادگستری است. او در تلاش است تا با رایزنی در مجلس فراکسیون حمایت از حقوق معلولان دوباره راه‌اندازی شود. به گفته او اکنون دسترس پذیری در قانون بودجه شهرداری تهران در سال ۹۵ تصویب شده و پیمانکاران و مجریان در اجرای همه پروژه‌ها به رعایت موضوعات مربوط به این بخش باید ملزم شوند. او می‌گوید که مخالف حمایت مالی و کمک سخت افزاری به معلولان نیست اما بازتوانی و کمک به آن‌ها از طریق مناسب‌سازی فضاها و معابر شهری از اهمیت بیشتری برخوردار است. به گفته آقای صابری هر چه مطالبات معلولان بیشتر شود، می‌توان امیدوار بود که اتفاقات بهتری بیفتد.

جامعه معلولان ایران طیف گسترده و کمتر دیده شده‌ای هستند که هر کدام بسته به موقعیت و شرایط زندگی‌شان به امکانات و کمک‌های متفاوت و متنوعی نیاز دارند. قابل دسترس کردن وسایط نقلیه شهری، ایجاد امکانات ویژه ورزشی و رفاهی، فراهم کردن دسترسی به پارک‌ها و تفرجگاه‌ها، ایجاد فرصت‌های شغلی برای توان خواهان، و امکانات بهداشتی و آموزشی از جمله

نیازهای معلولان است که به طور کلی در کشور کمتر به آن توجه شده است؛ اما شوراهای شهر و روستاهای مناطق محروم و دور از مرکز در قبال جامعه معلولان شهر و دیار خود مسئولیتی بزرگ‌تر و گاه پایه‌ای‌تر دارند؛ رساندن امکانات سخت‌افزاری و امکانات بهداشتی و آموزشی ابتدایی به آن‌ها، چرا که آن‌ها تنها در صورت داشتن این امکانات است که می‌توانند از خانه بیرون بیایند و از امکانات شهری استفاده کنند.

به طرفداران تخریب جنگل ناهار خوران رای ندهید



درخواست فعالین محیط زیست از مردم گرگان

نویسنده: امید رستگاری

استان: گرگان

شهر: گلستان

چالش ها:

• محیط زیست

• تخریب جنگل ها

• گردشگری

رقابت ۲۴۷ کاندیدای انتخابات شورای شهر گرگان برای ورود به ساختمان سفید شورای این شهر به روزهای پایانی خود رسیده و همگان در انتظار روز ۲۹ اردیبهشت و نتایج انتخابات هستند.

ویژگی اصلی فضای تبلیغاتی این دوره از انتخابات شورای شهر در گرگان، انسجام اصلاح طلبان از یک سو و پراکنده کاری اصول گرایان از سوی دیگر است. در حالی که اصلاح طلبان گرگان از همان ابتدا با لیستی شناسنامه دار وارد رقابت شدند حربه اصلی اصول گرایان این بوده که در قالب حامیان شهردار کنونی وارد رقابت شده و اصلاح طلبان را مخالف او معرفی کنند.

کارنامه پر ابهام شورای چهارم که مشحون از اختلاف بین موافقان و مخالفان شهردار گرگان بوده و بارها به تعطیلی جلسات شورا منجر شده، هم به انتخابات شورای پنجم حساسیت تازه‌ای بخشیده است.

اما به نظر فعالان اجتماعی و زیست محیطی گرگان مهم‌ترین مسأله‌ای که این شورا در قبال آن عملکرد ضعیف و قابل نقدی داشته، بی‌تفاوتی و بعضاً همراهی این شورا در تلاش‌ها برای تخریب جنگل ناهارخوران به بهانه ساخت تله کابین و یا امکانات توریستی بوده است. شورای چهارم در مجموع نه تنها در مقابل این طرح‌های ضد زیست محیطی قرار نگرفت، بلکه تعدادی از اعضای آن فعالانه از این دست‌اندازی‌ها دفاع کردند.

از دست اندازی سپاه به جنگل ناهارخوران تا پروژه تله کابین

به استناد گزارش موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، در نیم قرن گذشته بیش از پنجاه هکتار از جنگل‌های اطراف گرگان از بین رفته، اما این حجم از تخریب باعث نشده دست‌اندازی به این جنگل‌ها خاتمه یابد.

در سال ۱۳۹۱ و با مجوز دولت احمدی نژاد، بنیاد حفظ ارزش‌های دفاع مقدس وابسته به سپاه پاسداران اقدام به در اختیار گرفتن ده هزار متر مربع از این جنگل‌ها کرد و به بهانه ساخت موزه دفاع مقدس اقدام به تخریب آن نمود.

یکی از فعالین زیست محیطی گرگان با اشاره به انگیزه‌ها پنهان این طرح یعنی جنگل‌خواری و فراهم کردن زمینه برای ویلاسازی در دل جنگل می‌گوید: «باید از مجریان این طرح پرسید که فضای جنگل ناهارخوران چه شباهتی با مناطق جنگی ایران و عراق دارد و چرا باید موزه‌ای درباره جنگ ایران و عراق، در دل جنگل‌های گرگان ساخته شود؟»

این دست‌اندازی که به قطع تعدادی زیادی از درختان در ناحیه تپه نورالشهدا انجامید، آخرین دست از این‌گونه اقدامات نبود. سال گذشته نیز آغاز دوباره فعالیت‌ها برای ساخت تله کابین در دل جنگل‌های ناهارخوران خاطره تخریب جنگل را برای فعالین زیست محیطی و شهروندان گرگانی زنده کرد.

همراهی شورا و شهرداری گرگان با پروژه تله کابین

پروژه ساخت تله کابین در جنگل‌های ناهارخوران در سال ۱۳۸۱ و با تصویب شورای دوم آغاز و در سال ۱۳۸۵ با آغاز خاک‌برداری وارد فاز عملیاتی خود شد، اما به دلایلی اجرای آن متوقف شد تا اینکه در بهمن ماه سال گذشته شهرداری گرگان با نصب بنرهایی آغاز دوباره ساخت «زیباترین تله کابین جهان» را به شهروندان گرگانی نوید داد.

نکته تأسف برانگیز، اصرار شهرداری گرگان به اجرای این طرح و همراهی تعدادی از اعضای شورای چهارم با آن برغم هشدارهای مکرر فعالان زیست محیطی شهر بوده است. حسین صادقلو شهردار گرگان با ادعای این که در ساخت این تله کابین حتی یک درخت هم قطع نمی‌شود، مخالفان را به نداشتن «آداب بهره‌برداری از طرح‌های بزرگ»، متهم می‌کند. صفر علی پایین محلی سخن‌گوی شورای چهارم نیز با اشاره به اخذ مجوزهای لازم اعلام کرد که پروژه تله کابین گرگان به زودی کلنگ‌زنی خواهد شد. پزشک پور، دیگر عضو شورای شهر گرگان هم با دفاع از طرح، از اریزنی‌ها با شرکت پومای فرانسه برای احداث این تله کابین خبر داد.

مخالفان این طرح چه می‌گویند؟

فعالین زیست محیطی گرگان آغاز دوباره پروژه تله کابین در جنگل ناهارخوران را تبلیغاتی برای



انتخابات شوراها و اقدامی پوپولیستی و ضد محیط زیستی می دانند. یک کارشناس محیط زیست با اشاره به این که با احداث تله کابین سالانه چهارصد هزار نفر به این جنگل ها هجوم خواهند آورد می گوید: «حتی حجم کنونی مسافران و گردشگران هم از نظر توان سرزمینی و آلودگی، ترافیک و فرسایش خاک خارج از توان ناهارخوران است، چه رسد به این که بخواهیم در آن جا تله کابین هم ایجاد کنیم.»

او با اشاره به موقتی بودن جاده فعلی ناهارخوران ادامه می دهد: «با احداث تله کابین باید جاده دیگری هم ساخته شود که نتیجه آن قطع تعداد زیادی از درختان خواهد بود.»

نسیم هم که از فعالین محیط زیستی گرگان است با رد ادعای مسئولین شورا و شهرداری درباره قطع نشدن حتی یک درخت می گوید: «در طرح منتشر شده دو هکتار زمین پایین دست به عنوان مبدا و دو هکتار زمین بالا دست به عنوان مقصد تله کابین در نظر گرفته شده، بنابراین تله کابین حداقل چهار هکتار از پهنه جنگلی گرگان را از بین خواهد برد.»

البته به عقیده نسیم تخریب این چهار هکتار تنها آغاز راه است و با احداث رستوران ها، پارکینگ ها و مراکز تفریحی دیگر در اطراف تله کابین، قطعاً مساحت بیشتری از جنگل تخریب خواهد شد.

تخریب جنگل، گرگان را با خطر سیل روبرو می کند

نسیم با اشاره به این که در دو دهه گذشته سیل در گرگان افزایش قابل توجهی داشته و باعث خسارات جانی و مالی و عزا دار و بیکار شدن مردم شده است می گوید: «علت اصلی این سیل ها از بین رفتن پوشش جنگلی و مرتعی منطقه است.»

یکی دیگر از فعالین زیست محیطی گرگان هم در مخالفت با این طرح می گوید: «ساخت تله کابین و تاسیسات وابسته به آن پیامدهای محیط زیستی و اجتماعی گوناگونی خواهد داشت از جمله تخریب جنگل های هیرکانی، رانش خطرناک زمین، افزایش خطر سیل خیزی برای شهر گرگان و پایین دست، فرسایش جدی خاک، آلودگی شدید صوتی، آلودگی گسترده زباله، افزایش ترافیک آزاردهنده، تعارضات غیرقابل کنترل اجتماعی و ده ها مورد دیگر.»

به عقیده مهدی عوارض بلند مدت این طرح برای گرگان، بسیار بیشتر از اشتغال و درآمد محدودی است که تله کابین برای گرگان به ارمغان می آورد.

هدف، افزایش قیمت زمین های بالادست است

یکی دیگر از فعالین زیست محیطی گرگان با تاکید بر اینکه اشکال از طرح جامع شهری است که چندسال پیش بدون نظرات کارشناسی و توسط مشاور غیرمتخصص در حوزه جنگل و محیط زیست تهیه شده و قصد دارد بخش مهمی از جنگل را در داخل حریم شهری گرگان قرار دهد، می گوید: «بحث تله کابین در گرگان یک نمایش مردم پسند است برای اینکه یک پروژه را قیچی بزنند و در کارنامه شان بیاورند. متأسفانه حفظ منابع طبیعی چیزی نیست که بتوان به عنوان عملکرد ارایه داد و کسی هم به آن اهمیتی نمی دهد.»

او با اشاره به انگیزه های پنهانی که در این طرح وجود دارد ادامه می دهد: «به نظر من تله کابین ناهارخوران یک ابزار است تا بتوانند ارزش افزوده زمین ها و ویلاهای موجود در منطقه را بالا ببرند. من هیچ تردیدی در این باره ندارم. چرا اصرار دارند همه چیز را در ناهارخوران درست کنند؟ برای اینکه ارزش افزوده زمین هایشان در زیارت بالا برود. برای همین هم ناهارخوران را در طی ۲۰ سال از جنگل، به بلوار شهری تغییر داده اند.»

شورای پنجم و نجات جنگل ناهار خوران

جنگل ناهار خوران که همین حالا هم حال روز خوشی ندارد، در معرض دست اندازی نهادهای و طرح‌هایی قرار گرفته، که دغدغه زیست‌محیطی ندارند. همراهی شهرداری و بخشی از شورای چهارم گرگان با این طرح‌ها هم نقطه سیاهی در عملکرد آن‌ها است.

تله کابین فقط یک ایستگاه و چند تا کابین نیست که اعضای شورای شهر می‌گویند تنها چند درخت در آن سرزنی می‌شود و یا مقدار مشخصی از فضای جنگل را اشغال می‌کند. به عقیده آگاهان به مسائل زیست‌محیطی، احداث تله کابین تنها آغاز راه است و ادامه این سیاست‌ها در زمان کوتاهی این جنگل را از پا در خواهد آورد.

هوشیاری فعالان زیست‌محیطی گرگان که با تشکیل پویش مخالفت با ساخت تله کابین در جنگل ناهار خوران آغاز شد و حمایت بیش از سه هزار نفر از شهروندان گرگانی را هم کسب کرد، یکی از گام‌های مهم جامعه مدنی گرگان برای حفاظت از این جنگل بوده است. این هوشیاری می‌تواند در انتخابات ۲۹ اردیبهشت و با رای دادن به کاندیداهایی که مخالف تخریب جنگل و طرفدار حفظ محیط زیست هستند، به نتیجه مطلوب خود دست یابد.

«سرعین» می تواند قطب اقتصادی شمال غرب باشد



نویسنده: سارا میکائیلی

استان: اردبیل

شهر: سرعین

چالش ها:

• منابع طبیعی

• آب گرم

• گردشگری

«سرعین» که با داشتن آبگرم های متعدد شهرتی برون مرزی دارد، با مشکلات پایه ای در زمینه مدیریت شهری رو به روست. این مشکلات می تواند با توجه جدی مسوولان حل شود و این شهر با جاذبه های گردشگری طبیعی و درمانی اش، علاوه بر گردشگران داخلی، توریست های بین المللی را جذب کند و بدین ترتیب نه تنها چرخ اقتصاد شهر سرعین خواهد چرخید، بلکه فرصت های شغلی فراوانی را برای استان اردبیل ایجاد خواهد کرد. سرعین یکی از مهم ترین مقصدهای مسافرت از سراسر کشور از میانه های بهار تا انتهای تابستان است. دلیل اصلی شهرت این شهر کوچک که در ۳۰ کیلومتری غرب اردبیل واقع شده، چشمه های متعدد آب گرم با خواص درمانی گوناگون است.

محمد صبوری، رییس شورای شهر سرعین در خصوص اهمیت توریستی این شهر با اشاره به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مناسب گردشگری می‌گوید: «سرعین سالانه حدود هشت میلیون مسافر دارد و یکی از ۱۴ شهر نمونه گردشگری ایران است.»

عاطفه ل. که در سرعین کارمند بانک است، می‌گوید: «سد معبر، ترافیک سنگین، و پیاده‌روهایی که جا برای نفس کشیدن ندارند، تصویر من و همشهریانم از تابستان سرعین است. نابسامانی طرح جمع‌آوری زباله‌ها نیز یکی دیگر از معضلات بزرگ سرعین است که با شروع فصل گرما بوی نامطبوع‌اش به این مشکل می‌افزاید.»

او معتقد است که بدون شک حضور مسافران و گردشگران موجب رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال در شهر می‌شود، اما بدون داشتن برنامه‌ای منسجم نمی‌توان منتظر تغییرات بزرگ در ساختار شهری سرعین بود.

شهر توریستی سرعین زباله‌دانی شده

محل انتقال و دفن فعلی زباله‌ها از مشکلات اصلی سرعین است. به دلیل وجود سفرهای متعدد به سرعین و اطراف آن، میزان تولید زباله به نسبت جمعیت ساکن این شهر بسیار بالاست.

علی الف، از ساکنان روستای آلوارس که به دلیل داشتن پیست اسکی و تله کابین چند سالی است که جزو مناطق گردشگری استان اردبیل محسوب می‌شود، می‌گوید: «جاده سرعین به آلوارس که یک مسیر پرتردد برای گردشگران منطقه است، به زباله‌دانی تبدیل شده است. از همه بدتر آن که به دلیل بادگیر بودن منطقه این زباله‌ها تا حریم روستا نیز پخش می‌شوند که برای سلامت روستاییان خطری جدی به شمار می‌آید و هم چنین محیط زیست این منطقه را به نابودی می‌کشاند.»

او می‌گوید: «چگونه می‌توان سالانه صدها هزار گردشگر را به این منطقه آورد در حالی که اطراف جاده‌ها و ورودی شهر سرعین پر از زباله و آشغال است؟ ما بارها از شورای شهر و شهرداری سرعین درخواست کرده‌ایم که به این موضوع رسیدگی کنند، اما علی رغم قول‌های مساعدی که داده‌اند، هنوز خبری از یک کار عملی و جدی نیست.»

رضا زنده دل، شهردار سرعین در این باره توضیح می‌دهد: «محل دفن کنونی زباله‌ها در بالا دست سرعین واقع شده و ما فکر می‌کنیم مشکلاتی را برای شهروندان و ساکنان آن منطقه به وجود آورده است.» او می‌افزاید: «مکان دیگری در پایین دست سرعین تدارک دیده شده و دریافت مجوزهای لازم برای تغییر مکان دفن زباله‌ها پی‌گیری می‌شود.»

شهاب ع.، کارشناس امور شهری، با اشاره به معضل زباله در شهر سرعین می‌گوید: «متأسفانه بحث جمع‌آوری و دفن زباله یک مشکل فراگیر در سطح کشور است، اما در شهرهایی که به دلایل مختلف امکان جذب گردشگر بیشتری را دارند، این موضوع بیشتر به چشم می‌آید.»

او با اشاره به این که با الگوبرداری از یک شهر با ویژگی‌های سرعین در یکی از کشورهای توسعه یافته می‌توان به راهکارهای مناسبی رسید، ادامه می‌دهد: «باید یک عزم همه جانبه برای سامان دهی این امر وجود داشته باشد. یقیناً در کنار کارها و پروژه‌هایی که برای حل این مشکل تعریف می‌شود باید جایگاه ویژه‌ای را نیز برای آموزش همگانی در نظر گرفت.»

تابستان‌ها سرعین به یک پارکینگ بزرگ تبدیل می‌شود

یکی دیگر از مشکلاتی که سرعین و ساکنانش با آن دست به گریبان هستند، معضل راه‌بندان‌های خیابان‌های شهر است. برای مثال، در عید فطر سال گذشته و تنها در بیست و چهار ساعت سی و هشت هزار خودرو وارد سرعین شد و این در حالی است که جمعیت این

شهر کمتر از پنج هزار نفر است.

به نظر می‌رسد راه‌کار شورای شهر و شهرداری سرعین برای حل معضل ترافیک طرح «پیاده شهر» است. محمد صبوری، رئیس شورای شهر سرعین، درباره این طرح توضیح می‌دهد: پیاده شهر سرعین در خیابان‌های اصلی اجرایی می‌شود تا امکان دسترسی راحت مردم را به معابر خیابان‌ها و کوچه‌ها بهتر کند.

حسین ط. کارشناس ارشد معماری و شهرسازی، معتقد است که طرح پیاده شهر ایده خوبی است، اما به تنهایی نمی‌تواند تمام مشکلات را برطرف سازد. او می‌گوید: «سرعین در فصل گردشگری عملاً به یک پارکینگ بزرگ تبدیل می‌شود و طبیعتاً ممنوع کردن ورود خودرو به بخش‌های مرکزی و پر تردد تنها به صورت مقطعی می‌تواند مرهمی برای این زخم باشد.»

این کارشناس می‌گوید: «در کنار اجرای طرح پیاده شهر، ایجاد جاذبه‌های دیگری مثل حمل و نقل با درشکه که با حیوانات و حتی دوچرخه حمل می‌شود، معمولاً ایده آل گردشگران نیز هست و می‌تواند هم به جا به جایی توریست‌ها در شهر کمک کند و هم فرصت تفریح برای آن‌ها بسازد. اگر طرح پیاده‌راه به تنهایی و بدون در نظر گرفتن سایر جوانب انجام شود، فقط ترافیک و راه‌بندان را از یک نقطه به نقطه دیگری منتقل می‌کند، ضمن این که مسافران خسته و آزرده خاطر می‌شوند و ممکن است در آینده مقصد سفرهای خود را تغییر دهند. شورای شهر باید بجنبد و سایر نهادهای مسوول را برای رفع مشکلات این شهر اقتصادی مهم بسیج کند. اگر شورا در این زمینه پر قدرت عمل کند، سرعین قابلیت تبدیل شدن به یک قطب گردشگری مهم در شمال غرب کشور را دارد.»

اما در این میان متولی اصلی حل مشکلات سرعین، یعنی شورای شهر، در این دوره پرتنش بود. این شورا که پنج عضو دارد، با از دست دادن دو عضو خود در آستانه انحلال قرار گرفته است. عاملی که بیش از هر چیز به تضعیف نقش مستقیم مردم در حل مشکلات شهرشان می‌انجامد.

در همین زمینه رئیس شورای شهر سرعین می‌گوید: «در سفرهای مسوولان استان و استان‌دار اردبیل به سرعین اعضای شورای شهر به جلسات دعوت نمی‌شوند و به همین دلیل ما نمی‌توانیم مشکلات شهر را در سفرهای مسوولان استانی مطرح کنیم.»

حال باید دید مردم سرعین در انتخابات پیش رو چه خواهند کرد و شورای شهر آینده سرعین تا چه اندازه خواهد توانست با قدرت، انسجام، و به دور از حاشیه‌ها بر این مشکلات فائق آید.

شورای پنجم خرم آباد، از رای اعتراضی تا تخصص گرای



نویسنده: ارسلان بیرانوند

استان: لرستان

شهر: خرم آباد

چالش ها:

- انتخابات شورای پنجم
- ویژگی های منتخبان
- تغییر شاخص ها

با اعلام نتایج انتخابات شورای شهر در خرم آباد فرایند طولانی انتخابات که از زمستان سال گذشته در این شهر آغاز شده بود به پایان خود رسید. نتایج این دوره از انتخابات از جهات بسیاری قابل توجه و تامل است.

از ۱۳ عضو شورای چهارم خرم آباد تنها یک نفر توانست رای مردم را در شورای جدید به دست آورد و هشت عضو دیگر این شورای ۹ نفره، اعضای جدید هستند. تصمیم شهروندان خرم آبادی به تغییر اساسی اعضای شورای شهر پدیده ای قابل تامل است که ریشه یابی آن می تواند در قرار دادن شورای جدید در مسیر درست نقش مهمی ایفا کند. اما انتخابات این دوره شورای شهر خرم آباد به واسطه منتخب اول این شهر است که توجه مردم را در تمام کشور به خود جلب کرده است.

از دست فروشی تا کرسی شورای شهر

یک شهروند ۴۰ ساله خرم‌آبادی که سال‌ها در بازار این شهر به فروش مرغ و خروس اشتغال داشت در این دوره از انتخابات شگفتی‌ساز شد. ولی الله رستمی با کسب بیش از ۴۰ هزار رای به عنوان نفر اول شورای پنجم انتخاب شد. فاصله آرای او با نفر دوم این انتخابات یعنی تنها بازمانده شورای چهارم رستم کوشکی بیش از ۲۸ هزار رای می‌باشد.

محمودوند از روزنامه‌نگاران خرم‌آبادی درباره این پدیده می‌گوید: «ولی الله رستمی بدون داشتن هیچ ستاد تبلیغاتی و یا حامی مالی هر روز بنری را که حاوی یکی از عکس‌های دوران جوانی‌اش بود روی دوش می‌انداخت و در محلات و خیابان‌های خرم‌آباد راهپیمایی می‌کرد.» به گفته او حضور رستمی در انتخابات ابتدا با تمسخر دیگر کاندیداها روبرو شد، اما محبوبیت او به سرعت در میان مردم افزایش یافت به گونه‌ای که دیگر کاندیداها به او پیشنهاد ائتلاف و همکاری دادند، پیشنهاداتی که به وسیله او رد شد.

از ولی الله رستمی به عنوان دارنده مدرک فوق لیسانس زبان انگلیسی از دانشگاه تهران یاد می‌شود که در اوایل انقلاب مشمول تصفیه نیروهای سیاسی مخالف قرار گرفته و از آموزش و پرورش اخراج شده است. اما خود او در مصاحبه‌ای که حاوی نقل قول‌های جالبی از شکسپیر و جرج واشنگتن بود، اعلام کرد که با مدرک لیسانس ادبیات فارسی وارد انتخابات شده و تنها به شکل موقت در بعضی مدارس لرستان تدریس کرده است.

عوام‌گرایی یا رای اعتراضی؟

رای ۴۰ هزار نفری ولی الله رستمی در این دوره انتخابات شوراهای واکنش‌های متفاوتی را در میان شهروندان خرم‌آبادی برانگیخته است. برخی از فعالین اجتماعی این شهر انتخاب رستمی را نشانه عوام‌گرایی و بی‌توجهی مردم به سرنوشت شهرشان می‌دانند. رضا دراین باره می‌گوید: «اگر به رای اول شورای شهر نگاه کنید، می‌بینید که مردم چندان به شایسته‌سالاری اهمیت نمی‌دهند.»

در مقابل، بسیاری از شهروندان خرم‌آبادی رای بالای او را به عنوان اعتراضی علیه شوراهای گذشته و عملکرد مدیران شهری در زمینه‌های مختلف تفسیر می‌کنند. به عقیده بابک، رای شهروندان خرم‌آبادی به آقای رستمی نشانه هم‌دلی مردم با دست‌فروشان شهر است که او هم جزئی از آن‌ها است. او در توضیح می‌گوید: «رفتار ناشایست ماموران شهرداری با دست‌فروشان که همراه با تحقیر و حتی ضرب و شتم آن‌ها بود باعث اقبال مردم به یک دست‌فروش شد.» مصطفی هم با اشاره به این که این پدیده تنها مختص به خرم‌آباد نیست و در شهرستان رشت هم یک پاکبان توانست ۱۵ هزار رای به دست بیاورد، می‌گوید: «رای بالای مردم به آقای رستمی نشانه اعتراض مردم به خبگانی است که در ادوار گذشته شورا، با سوءاستفاده از امکانات و زد و بندهای سیاسی و به قول معروف، با گرفتن رشوه و زیرمیزی به ثروت‌های هنگفت رسیده‌اند.» به عقیده مصطفی اگر آقای رستمی به شعارهای خود برای مقابله با فساد عمل کند می‌تواند به چهره ماندگاری تبدیل شود. مصطفی علاقه مردم به ولی الله رستمی را به دلیل همین شعار مقابله با فساد می‌داند. علاقه‌ای که خود را در این جملات طرفدارانش نشان می‌داد: او مرغ‌فروش است، نه تخم مرغ دزدی که در شورا شتر مرغ دزد شود!

بهبود شاخص تخصص‌گرایی در شورای جدید

اگر رای بالای شهروندان خرم‌آبادی به ولی الله رستمی را به عنوان یک کنش سمبولیک و اعتراضی در نظر گرفته و آن را استثناء قرار دهیم، باید گفت در این دوره در مجموع خرم‌آبادی‌ها

به تخصص کاندیداها بهای بیشتری دادند.

یکی از ویژگی‌های این دوره از انتخابات نه گفتن مردم به چهره‌های ورزشی و هنری به رغم محبوبیت آن‌ها بود. بابک دراین باره می‌گوید: «حساسیت‌ها نسبت به عدم ورود مجدد هنرمندان و ورزشکاران به شورا تا جایی پیش رفت که با وجود محبوبیت داشتن برخی از آن‌ها در میان مردم اما انتقادهایی در فضای مجازی به وجود آمد و در نهایت مردم در دوره پنجم، ترجیح دادند از ورود مجدد این قشر از جامعه به شورا جلوگیری کنند و با نگاهی تخصصی و نه صرفاً احساسی، نمایندگان خود را انتخاب کردند.»

او با اشاره به این که در بین منتخبان جدید شورای شهر خرم‌آباد افرادی با تحصیلات فوق‌لیسانس شهرسازی (مهرداد علی پناه)، مهندس عمران (سجاد بابایی)، و همین طور اساتید دانشگاه با علایق زیست‌محیطی (زهرانظری) حضور دارند، اظهار امیدواری می‌کند که شورای جدید با رویکردی علمی و تخصصی به مشکلات عدیده خرم‌آباد نگاه کند.

ترکیب سیاسی و نقش جامعه مدنی

اگر چه هم‌زمانی انتخابات پنجمین دوره شورای شهر با انتخابات ریاست جمهوری و فضای دو قطبی حاصل از آن سبب گرایش مردم به لیست‌های اصلاح‌طلبان و بعضاً اصول‌گرایان در شهرهایی مانند مشهد، تهران و قم شد، اما این فضا بازتاب گسترده‌ای در خرم‌آباد نداشته و می‌توان گفت شورای پنجم این شهر در مجموع شورایی غیر جناحی است. از ۹ منتخب شورای شهر خرم‌آباد سه نفر اصلاح‌طلب، دو نفر اصول‌گرا و ۴ نفر مستقل هستند. از دیگر نشانه‌های غیر جناحی بودن این شورا می‌توان به انتخاب کاندیدای اصلاح‌طلب یعنی رستم کوشکی با حمایت نماینده اصول‌گرای خرم‌آباد در مجلس یعنی محمد رضا محمد رضا ملک‌شاهی اشاره کرد که نشان می‌دهد صف‌بندی‌های سیاسی در خرم‌آباد، کاملاً بر دوگانه اصلاح‌طلب و اصول‌گرا منطبق نیست.

انتخابات شورای شهر خرم‌آباد از نظر حضور فعالین جامعه مدنی مانند روزنامه‌نگاران، فعالین محیط‌زیست، و یا فعالین حقوق زنان هم محل تامل است. از ۹ منتخب شورای شهر تنها خانم زهرانظری خود را به عنوان فعال زیست‌محیطی و علاقه‌مند به مسائل جامعه مدنی معرفی کرده است که هر چند امید بخش است اما با توجه به جمعیت جوان و تحصیل‌کرده خرم‌آباد کافی به نظر نمی‌رسد. به همین دلیل فعالین جامعه مدنی خرم‌آباد باید با اعتماد به نفس بیشتری فعالانه در عرصه مسائل شهری حاضر شده تا بتوانند در دوره‌های بعد خلاء موجود را پر کنند.

چشم‌انداز شورای پنجم خرم‌آباد

انتخابات شورای پنجم خرم‌آباد را اگر نه یک پیشرفت بزرگ، اما باید گامی کوچک ولی استوار به سوی تغییر فرهنگ انتخاباتی این شهر تلقی کرد. البته هنوز علایق قومی و طایفه‌ای در انتخاب‌های سیاسی مردم نقش مهمی ایفا می‌کنند، اما به نظر می‌رسد امتناع مردم از رای دادن به خوانندگان و نوازندگان و ورزشکاران در دور جدید را باید به فال نیک گرفت.

حضور زنان در شورای جدید خرم‌آباد نسبت به دوره گذشته تغییر نکرد. مانند دوره چهارم، در این دوره نیز یک زن توانسته آرای لازم برای حضور در شورا را به دست آورد. این مساله می‌تواند محل تامل و انتقاد باشد به ویژه با توجه به این که در استانی مانند سیستان و بلوچستان که به نسبت سنتی‌تر از استان لرستان است، تعداد قابل توجهی از زنان توانسته‌اند وارد شوراهای شهر و روستا شوند.

با این حال فعالین اجتماعی خرم‌آباد به عملکرد شفاف و به دور از فساد شورای جدید امیدوار هستند. به عقیده آن‌ها گسترش استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی باعث نظارت بیشتر شهروندان بر عملکرد اعضای شورای شهر شده و راه را برای پرسش‌گری و طرح مداوم مطالبات از آن‌ها فراهم کرده است.

پایان چهار دوره تسلط اصول گرایان بر شورای کرج



نویسنده: عاطفه مرادی

استان: البرز

شهر: کرج

چالش‌ها:

- انتخابات شورای پنجم
- ویژگی‌های منتخبان
- زنان شورای پنجم

با اعلام نتایج انتخابات پنجمین دوره شوراهای شهر و روستا، شورای شهر کرج بعد از دو دهه دگرگون شد و مردم مدیریت این کلان شهر را بعد از چهار دوره به اصلاح طلبان سپردند.

مردم کرج با این انتخاب پیام روشنی به مدیریت این کلان شهر دادند: آن‌ها تغییر می‌خواهند و از وضعی موجود راضی نیستند! در میان شورای سیزده نفره کرج دو زن و یازده مرد حضور دارند. دوازده تن از این افراد، یعنی اکثریت قریب به اتفاق، از میان کاندیداهای لیست امید هستند.

پایان ریاست چهار دوره‌ای دادگو

محمود دادگو، شهردار سال‌های ۷۲ تا ۷۶ کرج در انتخابات اولین دوره شوراها برنده شد و بدین ترتیب به عضویت شورای شهر کرج درآمد. با پیروزی او در دوره دوم انتخابات شوراها، او این بار به ریاست شورای شهر کرج رسید. سمتی که از دور دوم شورای شهر تا هم اکنون ادامه دارد. محمود دادگو حالا باید با ریاست پانزده ساله‌اش بر شورای شهر کرج خداحافظی کند و صندلی‌اش را برای یکی از منتخبان اصلاح طلب پنجمین دوره شورای شهر کرج خالی کند. اکثریت اعضای چهار دوره پیشین شورای شهر کرج را اصول‌گرایان تشکیل می‌دادند، اما در این دوره مردم در انتخابات سرنوشتی دیگرگون را برای این شهر رقم زدند.

شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی در کرج حاکم می‌شود

سارا دشت گرد، منتخب جوان کرجی، مدرس رشته معماری در دانشگاه آزاد واحد هشتگرد است. او هم‌چنین نویسنده وبلاگ آتلیه معماری است. فریده بزنی بیرانوند، عضو دیگر دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی است. عباس زارع دومین نفر از لیست امید شورای شهر کرج، بیشترین رای مردم این کلان‌شهر را به خود اختصاص داده است. زارع کارشناس ارشد مدیریت شهری است و رییس دانشگاه جامع علمی کاربردی شهرداری کرج است. محمد حسین خلیلی اردکانی، کارشناس ارشد مدیریت دولتی، نماینده اسبق مردم کرج در مجلس شورای اسلامی، خواهرزاده سید محمد خاتمی، رییس جمهور دوره اصلاحات است. کرجی‌ها با رای دادن به او و دیگر اعضای لیست امید، نگرشی کاملاً متفاوت را برای مدیریت این شهر برگزیدند. آن‌ها این افراد که جملگی در لیست امید بودند را برای شورا برگزیدند:

۴۳۱



- ۱- آقای عباس زارع
- ۲- آقای محمد حسین خلیلی اردکانی
- ۳- آقای مهدی حاجی قاسمی
- ۴- آقای منصور وحیدی
- ۵- آقای غدیر مهدوی کلیشمی
- ۶- آقای احد رسولی
- ۷- آقای اکبر سلیم نژاد
- ۸- آقای حسین محمدی
- ۹- خانم سارا دشت گرد
- ۱۰- آقای محمد نیونی
- ۱۱- خانم فریده بزنی
- ۱۲- آقای رحیم خستو
- ۱۳- آقای فرج‌اله الیای

مردم علاوه بر اصول‌گرایان به لیست‌های جعلی هم «نه» گفتند

فواد پ. فعال رسانه‌ای کرجی می‌گوید: در دوره تبلیغات یکی از اتفاقات قابل توجه در شهر کرج، انتشار لیست‌هایی به نام اصلاح طلبی از سوی رقیبان اصلاح‌طلبان بود. گویی آن‌ها به خوبی می‌دانستند که دیگر در این شهر رای ندارند و بدین ترتیب سعی در فریب مردم داشتند. به گفته او از میان اسامی منتشر شده در آن لیست که حتی از سوی برخی اصول‌گرایان نیز

تقبیح شد، تنها یک نفر به شورای شهر راه یافت که او نیز اکنون می‌گوید از وجود نامش در آن لیست بی‌خبر بوده است. اثبات چنین موضوعی سخت نیست، او می‌تواند از مراجع قانونی بخواهد این موضوع را پی‌گیری کنند.

فواد پ. نگرش قومی برخی افراد در مدیریت شهری کرج را یک آسیب و نگرانی جدی می‌داند و می‌گوید: کرج شهری مهاجرپذیر است و در واقع می‌توان گفت این جا خانه دوم همه اقوامی هستند که در کرج زندگی می‌کنند. این کلان‌شهر «ایران کوچک» لقب گرفته از این جهت که از همه استان‌ها مهاجر دارد. دامن زدن به اختلافات قومی و زبانی در کرج و جلب رای از طریق این موضوع می‌تواند به آینده کرج صدمات جدی بزند. مدیران منطقه‌ای در کرج موظفند از هریک از اقوام که باشند، به همه مردم توجه و رسیدگی کنند، از این رو، رای آوردن لیست امید با رویکرد احترام به همه اقوام می‌تواند تنوع و تکثر در عین همزیستی سازنده و مسالمت‌آمیز را به همراه داشته باشد.

به گفته فواد پ. هرچند تعداد زنان در این دوره از شورای کرج یک نفر کمتر شده، اما نگرش زن‌ستیزانه هم کمتر شده است. در واقع مردم بر اساس جنسیت انتخاب نکرده‌اند، بلکه با اعتماد به لیست حزبی، به ائتلاف نیروهای متخصص و شایسته رای دادند. البته این نقد به جا وجود دارد که چرا تعداد زنان در لیست امید کم بود، اما به این نکته هم باید توجه کرد که زنان شایسته‌ای مثل رویا بلوری نیز کاندیدا بودند که متأسفانه رد صلاحیت شدند. یک برد بزرگ در این انتخابات، رای دادن به لیست حزبی بود، حالا باید تلاش کرد برای دوره‌های بعدی کیفیت و ترکیب جنسیتی لیست امید را به نفع زنان تغییر داد.

مشارکت بالا یعنی کرج برای ساکنانش از تهران مهم‌تر است

میلاد پالیزدار، فعال مدنی، می‌گوید: در دوره‌های پیشین انتخابات، اغلب فعالان کرجی، چه فعالان سیاسی اصلاح‌طلب، چه فعالان جنبش‌های مدنی، فعالیت‌شان را به تهران منتقل می‌کردند، اما در این دوره ماندند تا سرنوشت کرج را تغییر دهند. فضای هیجانی انتخاباتی در پایتخت طوری است که معمولاً افراد فعال‌تر به دلیل نزدیکی کرج به تهران در انتخابات شوراها و هم‌چنین مجلس شورای اسلامی، جذب تهران می‌شوند، در آن جا فعالیت می‌کنند و همان جا هم رای می‌دهند. یعنی تاکنون رفتار فعالان طوری بود که انگار سرنوشت تهران برایشان مهم‌تر از کرج بود. به همین جهت تحول‌خواهان در اکثر انتخابات‌ها نتیجه را به اصولگرایان واگذار می‌کردند.

به گفته او در این دوره فعالان تصمیم گرفتند در کرج بمانند و مردم را به مشارکت بیشتر و موثرتر تشویق کنند. بودن لیست امید متشکل از ائتلاف نیروهای اصلاح‌طلب نیز به مردم کمک کرد از رای دادن بی‌هدف و بدون شناخت پرهیز کنند.

در تاریخ تشکیل شوراهای شهر و روستا این نخستین بار است که شورای شهر کرج به دست اصلاح‌طلبان مدیریت خواهد شد و در واقع کارنامه شورای شهر پنجم در انتخاب مردم برای ششمین دوره شورای شهر تأثیرگذار خواهد بود.

رشت ویدیده انتخابات شورای پنجم



نویسنده: مسعود سیار

استان: گیلان

شهر: رشت

چالش‌ها:

• انتخابات شورای پنجم

• ویژگی‌های منتخبان

• زنان شورای پنجم

با برگزاری انتخابات شوراهای شهر و روستا، مردم شهر رشت هم منتخبان خود را راهی شورای پنجم کردند. در جمع منتخبان این دوره، یکی از پدیده‌های این دوره از انتخابات که در روزهای منتهی به انتخابات توجه بسیاری از شهروندان در سطح کشور را به خود جلب کرده بود نیز وجود دارد. محمد حسن علی‌پور کسبخی، یکی از رفتگران شهر بود که در این دوره خود را به رای مردم گذاشت. علی‌پور کسبخی در نهایت با کسب بیش از ۱۸ هزار رای به عنوان نفر پنجم شورای شهر رشت به این نهاد راه یافت.

کاهش اعضای زن

هرچند بنا بر آخرین تغییرات در قانون شهرداری‌ها و شوراهای شهر و روستا، تعداد ۱۵ نفره شورای شهر رشت به ۱۱ نفر کاهش یافت، اما در مجموع از تعداد منتخبان زن در ترکیب شورا هم کاسته شد. در ترکیب اعضای شورای شهر دوره چهارم، دو زن (فرانک پیشگر و فاطمه شیرزاد) حضور داشتند که در آن انتخابات یکی رتبه دوم (فرانک پیشگر) و دیگری رتبه دهم (فاطمه شیرزاد) را کسب کرده بود. اما در این دوره در جمع ۱۱ منتخب نهایی، فاطمه شیرزاد نفر آخر منتخبان شد و خانم پیشگر در رتبه ۱۳ قرار گرفت و به عنوان عضو البديل انتخاب شد. به تعبیری دیگر، اگر تعداد اعضای شورای شهر رشت همان ۱۵ عضو باقی می‌ماند، هر دو باید به طور مستقیم به شورا راه می‌افتادند، اما با توجه به تغییرات، شورای تازه تنها یک زن را در بین اعضای خود خواهد دید.

با مقایسه تعداد آرای این دو نفر در دو انتخابات دوره چهارم و پنجم متوجه می‌شویم که آرای خانم پیشگر تقریباً ثابت مانده، اما آرای خانم شیرزاد تقریباً دو برابر شده است. خانم پیشگر در دوره چهارم که رتبه دوم را به دست آورده بود، ۱۵ هزار و ۳۴۶ رای را به خود اختصاص داده بود، و در این انتخابات با کسب ۱۵ هزار و ۹ رای به رتبه سیزدهم رسید و در جمع اعضای البديل قرار گرفت. اما خانم شیرزاد که در دوره چهارم موفق به کسب ۸ هزار و ۶۵۸ رای شده بود، در این دوره ۱۶ هزار و ۳۰۴ رای کسب کرد. هرچند رتبه‌اش نسبت به دوره قبل یک رتبه نزول داشت اما به عنوان نفر آخر به شورا راه پیدا کرد.

تغییر ترکیب اعضای شورا

تغییر ترکیب اعضای شورای شهر رشت هم از یک بعد قابل تامل بود. با اینکه از اعضای سابق تنها ۴۰ درصدشان به شورای جدید راه پیدا کردند، اما ترکیب تخصصی این شورا هم تا حدودی تغییر یافت. در ترکیب شورای چهارم تعداد زیادی مهندس عمران و راه و ساختمان وجود داشت که البته سوابق متنوعی را در کارنامه کاری خود داشتند. البته در ترکیب ابتدایی آن شورا، با حضور یک پزشک، دو حقوقدان، یک معلم، یک فعال رادیو تلویزیونی و تعداد زیادی مهندس عمران ترکیب تخصصی آن را با وجود عدم توازن، تنوع داشت. اما این ترکیب در همان ابتدا دچار تغییراتی شد. ابتدا منتخب اول آن دوره (رضا جمشیدی چناری) که استاد ژئوتکنیک دانشگاه گیلان بود، به دلیل ادامه تحصیل در آمریکا از عضویت در شورا استعفا داد. در ادامه عمر شورا هم عضو پزشک (منوچهر جمالی) شورا، به عنوان نماینده مجلس از شهر رودبار انتخاب شد و از عضویت در شورای شهر رشت کناره‌گیری کرد. در دوره پنجم اما هرچند میزان «عمرانی»‌ها به مانند دوره قبل نیست اما هم‌چنان با ترکیب مطلوب یک پارلمان شهری فاصله دارد.

رد پای سیاسيون

رای اول این دوره از انتخابات به احمد رمضانپور نرگسی رسیده است که در سابقه خود دو دوره نمایندگی مجلس در دوره پنجم و ششم را دارد. او پس از مجلس ششم در تمام دوره‌های انتخابات مجلس‌های بعدی هم ثبت‌نام کرد اما همواره توسط شورای نگهبان ردصلاحیت شد. فرهام زاهد که دوره قبل هم نامزد شورای شهر رشت شده بود، این بار توانست به عنوان نفر چهارم به شورا راه بیابد. فرهام زاهد، برادر کوچک‌تر فیاض زاهد است که در اولین دوره شورای شهر رشت به شورا راه یافته بود و عنوان سخن‌گویی شورا را برعهده داشت. او چند وقت بعد برای حضور در انتخابات مجلس ششم از شورا استعفا داد ولی به مجلس هم راه نیافت. در

جمع منتخبین این دوره، ۵ نفر (حاجی پور، علوی، رسولی، جذب و شیرزاد) از اعضای دوره قبل هم باردیگر انتخاب شدند. از جمع «لیست امید» که مورد حمایت اصلاح طلبان و اعتدالیون قرار داشت، تنها ۳ نفر توانستند به جمع ۱۱ نفره منتخبان شورای شهر راه یابند. ۴ نفر دیگر از این لیست در جمع اعضای علی البدل قرار دارند. از نکات جالب «لیست امید» در شهر رشت بی توجهی به نامزدهای زن در لیست شان بود.

از دیگر نکات جالب نتایج انتخابات شوراها در رشت، راهیابی مجدد رضا رسولی، عضو سابق شورای شهر به شورای تازه بود، در حالی که پرونده‌ای در زمینه تخلفات مالی مربوط به سال ۹۲ در مورد او در دادگستری در جریان بوده و حتی در برهه‌ای نیز به بازداشت او انجامیده است. رسولی در دوره چهارم به عنوان عضو علی البدل انتخاب شد و بعدها به ترکیب شورای چهارم اضافه شد.

انتخابات و آغازی دوباره

انتخابات به پایان رسیده و ترکیب اعضای شورای بعدی که از مرداد ماه فعالیت رسمی خود را آغاز خواهند کرد مشخص شده است. با این وجود هم چنان یکی از مهم ترین خلل های انتخابات ارائه برنامه توسط نامزدها بود. به جز تعداد معدودی از نامزدها که اتفاقاً نامزدهای جوان هم بودند و در تبلیغات خود اولویتهایی هم چون توجه به گردشگری، محیط زیست و یا مرمت بافت های اصیل شهری را برجسته کرده بودند، غالب نامزدها به جای ارائه برنامه مدون، به سمت ها و سابقه های پیشین خود اهمیت بیشتری می دادند.

پنجمین دوره شوراهاى شهر و روستا در حالى شكل گرفته و آغاز به كار خواهد كرد كه تجربه چندین دوره قبل را پیش روی خود دارد. تجربه هایی که هم تلخ بود و هم شیرین. هم فساد و اختلاس و سوء استفاده های فراوانی را به خود دید و هم ابزارهای حساب کشی و تحقیق و تفحص را تجربه کرد. با وجود گذشته سال ها از تولد این نهاد، شوراها هم چنان یک نهال نو پا است که برای تقویت و افزایش کارایی اش نیازمند حضور نهادهای مردمی و جامعه مدنی به عنوان اهرم فشار و ناظر برای پیشبرد امور است. دغدغه ای که فضای پیش و پس از انتخابات می تواند به شکل دهی و توانمند سازی اش یاری رساند.

شورای جدید کاشمر؛ جوان تر اما «مردانه»



۴۳۶

شهروند
خبرنگار

نویسنده: مازیار
استان: خراسان جنوبی
شهر: کاشمر
چالش‌ها:

- انتخابات شورای پنجم
- ویژگی‌های منتخبان
- جوانان

تکلیف پنجمین شورای شهر کاشمر هم پس از انتخابات ۲۹ اردیبهشت مشخص شد. بیش از ۴۷ هزار نفر از اهالی کاشمر به پای صندوق‌های رأی رفتند و تصمیم گرفتند چهار نفر از اعضای شورای چهارم را در شورای جدید هم‌چنان در مدیریت و نظارت کلان شهر خود حفظ کنند. جالب توجه این که دو نفر از اعضای شورای قبلی نیز در فهرست علی‌البدل‌های شورای جدید قرار گرفته‌اند. به بیان دیگر از ترکیب ۹ نفره شورای چهارم، ۶ نفر در ترکیب اصلی و ذخیره شورای پنجم حضور خواهند داشت؛ شورایی که برخلاف دور پیشین با ۷ نفر تشکیل خواهد شد. به تعبیری، حدود ۶۰ درصد ترکیب شورای شهر کاشمر بی‌تغییر ماند. اکثریت ترکیب پنجمین شورای شهر ۱۶۸ هزار نفری کاشمر در اختیار اصلاح‌طلبان و هم‌دلان دولت اعتدال‌گرای روحانی است؛ هرچند چهره‌های مستقل و اصول‌گرا نیز در شورای جدید حضور دارند.

این نفر نخست!

نفر نخست انتخابات شورای پنجم کاشمر، مهندس علی اسماعیل پور شد. او حدود ۱۱ هزار رأی کسب کرد. قابل اشاره این که نفر نخست انتخابات دور قبل که یک زن بود حدود ۹ هزار رأی داشت.

اسماعیل پور از فهرست مشهور به «حامیان وفاق مردم و اصناف» پا به شورای شهر گذاشت. فهرستی که در انتخابات اخیر، در کنار دو فهرست اصلی دیگر (متعلق به دو اردوگاه سیاسی اصلی کشور، اصلاح طلبان و اصول گرایان) در سطح کاشمر خودنمایی کرد و تبلیغات خوبی هم داشت.

جالب توجه این که اسماعیل پور تنها نامزد فهرست اصناف بود که به شورای شهر راه یافت؛ هیچ کدام از شش نامزد دیگر این لیست حتی در صف سه نامزد علی البدل قرار نگرفتند. چرایی این را باید در پیشینه و شهرت اسماعیل پور جستجو کرد. او شهردار سال های نه چندان دور کاشمر بوده و در میان بسیاری از اقشار اجتماعی کاشمر، فردی شناخته شده است.

اسماعیل پور ۴۷ سال سن دارد و دارای مدرک کارشناسی در مهندسی عمران است؛ او که در کارنامه اش مسئولیت دفتر فنی دانشگاه آزاد کاشمر و نیز مسئولیت شهرسازی و معماری شهرداری کاشمر را دارد، سه سال هم در نیمه نخست دهه ۸۰ شهردار رباط سنگ بوده است و پس از آن، معاون شهردار کاشمر برای دو سال.

وی از پاییز ۱۳۸۸ و به پشتوانه رأی تمام اعضای شورای وقت کاشمر، چهل و سومین شهردار شهر شد و برای چهار سال در این مقام باقی ماند. پاییز ۱۳۹۲ و پس از تغییر ترکیب شورای شهر، او از مقام خود استعفا داد.

حالا او بار دیگر در رأی مدیریت شهری کاشمر حضور دارد و پشتوانه رأی نخست، امکان تحرک بیشتری به وی می دهد.

دو نفر بعدی شورای جدید

پس از اسماعیل پور، دومین انتخاب مردم کاشمر، محمد صادقی طرقي شد؛ او حدود ۱۷۰۰ رأی کمتر از نفر نخست داشت. نکته جالب توجه این که صادقی در انتخابات قبل، به عنوان آخرین نفر (منتخب نهم) عضو شورا شده بود. وی که پزشک است، حدود ۸۰ درصد بیش از دور قبل، رأی کسب کرده؛ به بیان دیگر، کارنامه و عملکرد صادقی مورد تأیید موکلانش قرار گرفته است. صادقی که از فهرست مورد حمایت اصلاح طلبان و اعتدال گرایان پا به شورا گذاشته، سابقه نایب ریسی شورا دارد و در سال ۱۳۹۵ نیز پزشک نمونه شده است.

قابل اشاره این که او به مسئله «سلامت» بیش از درمان بها می دهد و در برنامه هایش تأکید داشته که شورا می تواند برای رسیدگی بهتر به سلامت و بهداشت، «حلقه» ای موثر باشد و جامعه را به نهادهایی چون شبکه بهداشت و درمان متصل کند. او هم چنین بر مسئله افزایش سواد سلامت بین شهروندان تأکید دارد.

به نظر می رسد، جوان بودن صادقی و برنامه ها و کارنامه اش، او را چنین کامیاب کرده است. پس از وی، میثم خزاعی که یک روحانی است، نفر سوم شورای پنجم کاشمر شده است. فاصله رأی نفر سوم با نفر دوم، تنها ۵۲ رأی است.

حجت الاسلام خزاعی، در فهرست مورد حمایت اصول گرایان (ائتلاف جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی) قرار داشت. او نیز هم چون صادقی در شورای چهارم عضو بود. خزاعی نسبت به دور قبل حدود ۲۳۰۰ رأی بیشتر دارد.

او که مدرس حوزه و دانشگاه است ظاهراً برای اصول‌گرایان به قدر لازم مقبولیت داشته که نسبت به دور قبل هم رأی بیشتری کسب کرده و هم چهار پله ارتقاء رتبه یافته است.

دیگر منتخبان شورای پنجم

نفر چهارم از هفت عضو شورای کاشمر، حسن اعمی، دانشجوی دکتراست؛ او که ۱۲ سال سابقه تدریس در دانشگاه در رشته‌های اقتصاد و حسابداری دارد، از فهرست مورد حمایت اصلاح‌طلبان (آشنای شهر) وارد شورا می‌شود. حضور وی، ترکیب شورای جدید را جوان‌تر از شورای چهارم می‌کند.

محمد خباززاده، عضو شورای پیشین، با رأی تقریباً مشابه دوره قبل، مجدداً و از فهرست مورد حمایت اصلاح‌طلبان (آشنای شهر) برای چهار سال در شورای کاشمر حضور خواهد داشت. خباززاده که در شورای چهارم، مسئول کمیسیون شهرسازی و معماری بود، از منتقدان پرداخت یارانه و حامیان تولید محسوب می‌شود.

یعقوب گل‌محمدی، دیگر منتخب مردم کاشمر برای شورای جدید از لیست مورد حمایت اصلاح‌طلبان (آشنای شهر) است. جالب توجه این‌که وی در دور دوم و سوم، عضو شورای کاشمر بوده و پس از وقفه و دوری چهار ساله دوباره پا به این نهاد می‌گذارد. او معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی آموزش و پرورش کاشمر را برعهده داشته و به نظر می‌رسد تجربه او در شوراهای دوم و سوم مدد رسان شورای پنجم شود. و سرانجام هفتمین و آخرین منتخب کاشمر، احمد غزنوی است. وی سابقه عضویت در شورای سوم و چهارم کاشمر را در کارنامه دارد.

غزنوی نیز هم‌چون خزایی از فهرست مورد حمایت اصول‌گرایان (ائتلاف جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی) پا به شورای جدید می‌گذارد. به بیان دیگر، تنها این دو نفر، عضو اصول‌گرای شورا محسوب می‌شوند. غزنوی که کارشناس ارشد حقوق است، نسبت به دور پیش رأی کمتری کسب کرده است.

وی مدرس دانشگاه آزاد کاشمر است و مهندس کشاورزی؛ هم‌چنین باورمند به گسترش فضاهای سبز و ایجاد توسعه پایدار و متوازن. گفتنی است از جمع سه عضو علی‌البدل شورا، دو نفر در شورای چهارم عضویت داشته‌اند. اسماعیل سلطانی‌پور (عضو سه دوره شورا) در فهرست مورد حمایت اصول‌گرایان بود، و حسین حسینی یزدی (رییس شورای سوم و چهارم و شهردار سابق کاشمر) در فهرست مورد حمایت اصلاح‌طلبان.

احمد، از فعالان مدنی شهر معتقد است که «به نظر می‌رسد اکثریت انتخاب‌کنندگان در کاشمر، نظر به سن بالای این دو نفر، دیگر تمایلی به حضور آنان در شورا نشان نداده‌اند و ترجیح داده‌اند جوانترها را روانه شورای پنجم کاشمر کنند.» او تاکید می‌کند: «همه جای دنیا این‌طور است؛ مردم از حضور چهره‌های تکراری خسته می‌شوند و نیاز خود به تغییر را این‌گونه آشکار می‌کنند.»

چند ملاحظه درباره شورای جدید

شورای جدید کاشمر با مشارکت حدوداً ۶۰ درصدی اهالی شهر شکل گرفته است. متأسفانه در شورای جدید، برخلاف دوره قبل، هیچ زنی حضور ندارد. این نکته منفی و البته مهمی است که مورد انتقاد بسیاری از زنان کاشمر به خصوص دختران دانشجوی و حتی بسیاری از کنش‌گران مدنی و دانشجویان پسر شهر است. به خصوص آن‌که در دور قبل، نفر نخست شورا، یک زن بود.



جمیله، معلم است و در یک انجمن خیریه هم مشغول به کار؛ او با انتقاد از فهرست‌های «مردانه» می‌گوید: «قابل فهم نیست که چطور در لیست‌های پیشنهادی، هیچ توجهی به ۵۰ درصد جمعیت شهر نشده؛ نتیجه‌اش هم همین می‌شود؛ شکل گرفتن شورایی کاملاً مردانه که قطعاً نمی‌تواند آن‌طور که باید و شاید حقوق مدنی زنان را ادا کند.»

جزاؤ، کم نیستند زنانی که معتقدند فهرست‌های ۱۰۰ درصد مردانه تهیه شده توسط دو جناح سیاسی اصلی شهر و نیز لیست اصناف، دلیل اصلی بروز این وضع تلخ و قابل انتقاد است. تعجب برانگیز اینکه مهری پالایی نفر اول انتخابات قبل با بیش از ۹ هزار رأی، این بار در جایگاه دوازدهم قرار گرفته و کمتر از ۶ هزار رأی کسب کرده است.

اما در سطحی دیگر، باید به جوان ترشدن ترکیب شورای شهر کاشمر اشاره کرد؛ خروج دو فرد مسن و ورود دو عضو جوان‌تر، متوسط سنی شورا را پایین‌تر آورده است. باید منتظر ماند و دید که آیا این، موجب تحرك و پویایی بیشتر شورا خواهد شد یا خیر.

قاسم، یکی از فعالان فرهنگی شهر ابراز امیدواری می‌کند که «تغییر ترکیب سنی شورا، موجب افزایش شور و نشاط در شهر شود و شورا از فعالیت‌های هنری و فرهنگی و تفریحی، بیشتر استقبال کند و زمینه‌های لازم برای آن‌ها را فراهم کند.»

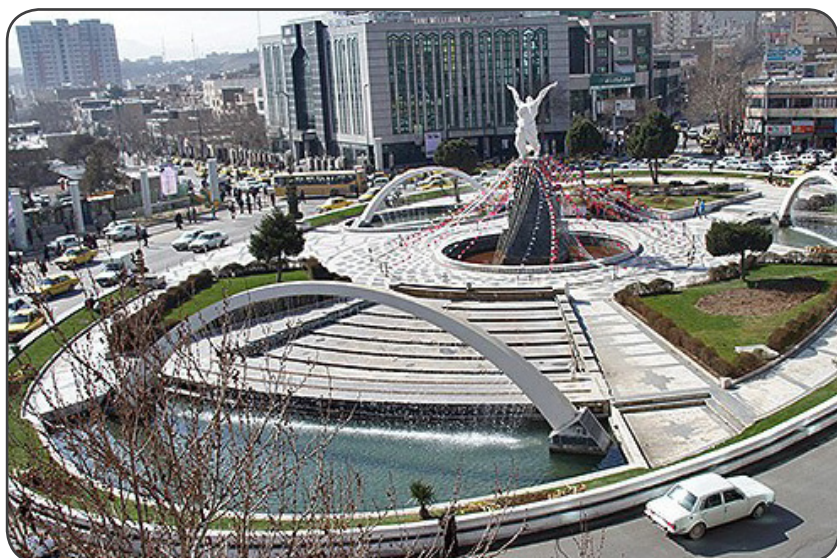
نکته قابل اشاره دیگر، کاهش میزان مشارکت شهروندان کاشمر در انتخابات شورای پنجم، نسبت به انتخابات پیشین است. یعنی با وجود افزایش جمعیت کاشمر نسبت به چهار سال قبل، حدود هزار نفر در این دوره، کمتر برای شورا رأی داده‌اند؛ اتفاقی که معنادار است و نشان از تقلیل اهمیت شورا در چشم شهروندان کاشمری دارد.

سمیرا، دانشجوی حقوق دانشگاه آزاد کاشمر معتقد است: «فهرست‌های مردانه و کم‌رنگ بودن تبلیغات زنان مستقلی که نامزد شورا شده بودند، باعث کاهش میزان مشارکت زنان و در نتیجه افت مشارکت کلی شده است.»

او هم چنین از اینکه مهر پالایی، نفر نخست انتخابات شورای چهارم، جایی در فهرست هفت نفره شورای جدید ندارد، ابراز تعجب و تاسف می‌کند.

باید دید آیا شورای جدید، با ترکیب جوان‌تر اما بدون حضور زنان، می‌توان کارنامه‌ای بجاگذارد که موجب جلب توجه بیشتر شهروندان کاشمر به نهاد شورا شود یا نه.

تکیه جوانان بر شورای پنجم سنج



نویسنده: ژيلا عباسی

استان: کردستان

شهر: سنندج

چالش‌ها:

- انتخابات شورای پنجم
- ویژگی‌های منتخبان
- جوانان

با اعلام نتایج انتخابات پنجمین دوره شوراها در سنندج پرونده این انتخابات نیز بسته شد و شهروندان سنندجی ۹ منتخب خود را در شورای پنجم شناختند. اگرچه آمار تفکیکی از میزان مشارکت شهروندان در انتخابات شورای شهرها هنوز اعلام نشده، اما در مجموع مشارکت شهروندان کردستانی در این انتخابات ۵۹ درصد بود که نسبت به انتخابات مجلس دهم ۶ درصد افزایش و نسبت به انتخابات شوراهاى گذشته ۳ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

آن‌ها که در شورای شهر ماندند

از ۱۳ عضو قبلی شورای شهر سمنج ۴ نفر توانستند در این انتخابات نیز رای اعتماد مردم را به دست آورده و کرسی‌های خود را در صحن شورا حفظ کنند. علیرضا از فعالین اصلاح طلب سمنج درباره چرایی پیروزی دوباره این افراد می‌گوید: «برخی از اعضای شورای چهارم به لحاظ مالی عملکرد پر ابهامی داشتند. به عنوان مثال یکی از آن‌ها با وضعیت مستاجری وارد شورا شده اما در پایان دوره صاحب آپارتمانی در بهترین نقطه شهر شد. با این حال در مورد اعضایی که دوباره انتخاب شدند شائبه مالی وجود نداشت.»

ژاله هم که معلم و ساکن سمنج است با اشاره به اینکه شورای چهارم نکات منفی فراوانی از جمله توزیع ناعادلانه اعتبارات و امکانات در سطح شهر، تخلفات در حوزه املاک، عدم اجرای مصوبات شورا، دودستگی و مناقشه بر سر عزل شهردار، و عدم کنترل ساخت وسازهای غیرمجاز، ... داشت می‌گوید: «بیشتر افرادی که دوباره رای آوردند کسانی بودند که در این زمینه‌ها سابقه روشن تری داشته و عملکرد مالی آن‌ها قابل دفاع بود.»

حرکت شورای سمنج به سوی عقلانیت

علیرضا درباره شاخص تخصص‌گرایی در منتخبان شورای پنجم می‌گوید: «در مجموع انتخاب مردم در شورای پنجم عقلانی‌تر از گذشته و بیش از قبل مبتنی بر تخصص افراد بود.» به گفته علیرضا، منتخب اول شورای شهر سمنج که یک بازیگر طنز تلویزیونی به نام یوسف اسدی است در دوره قبل با ۴۰ هزار رای رتبه اول را به خود اختصاص داد اما در این دوره تنها ۱۴ هزار رای کسب کرد. علیرضا کاهش قابل توجه آرای یوسف اسدی را نشانه عقلانی‌تر شدن انتخاب مردم سمنج می‌داند.

از سوی دیگر، کاندیداهای جوانی با تحصیلات عالی توانستند در این دوره وارد شورای شهر شوند. نفر دوم شورای شهر سمنج یعنی غریب سجادی جوانی سی و چهار ساله است که دارای مدرک دکتری علوم سیاسی است و از فعالین اصلاح طلب و خوش نام شهر می‌باشد. نفر سوم شورای شهر سمنج هم جوانی ۲۹ ساله به نام ارسطو گویلی است که دارای مدرک دکتری برق از دانشگاه ویرجینیای آمریکا است.

به عقیده علیرضا هر چند مدرک تحصیلی آقای گویلی به مسائل شهری مرتبط نیست اما او از معدود کاندیداهایی است که برنامه‌ای به نسبت جامع را به رای دهندگان سمنجی عرضه کرد. برنامه‌ای که از حمایت از فعالیت سازمان‌های مردم نهاد گرفته تا سازماندهی دست‌فروشان و به‌سازی شهر برای معلولان را شامل می‌شود.

عقب‌گرد زنان در شورای پنجم سمنج

با وجود ثبت نام ۴۶ زن در انتخابات شورای شهر سمنج اما هیچ کدام از آن‌ها نتوانستند آرای لازم برای حضور در صحن شورا را به دست بیاورند. بالاترین رای زنان در این انتخابات را مژده حسینی با نزدیک به پنج هزار رای به دست آورد و این رای او را تبدیل به نفر اول اعضای علی‌البدل شورای سمنج کرد.

راه نیافتن هیچ کاندیدای زنی به صحن شورای شهر سمنج نسبت به دوره قبل که دو نماینده زن در آن حضور داشتند را باید یک عقب‌گرد به حساب آورد.

سیما از زنان ساکن سمنج با اظهار تأسف از این اتفاق می‌گوید: «این نتیجه به هیچ وجه بازتابی از حضور واقعی زنان در عرصه عمومی شهر سمنج نیست و احتمالاً حاصل عملکرد به نسبت ضعیف زنان عضو شورای چهارم است.»

به اعتقاد سیما، تا زمانی که زنان در مسند قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری قرار نگیرند، نمی‌توان به حل معضلات و مشکلات زنان امیدوار بود زیرا مردان لزوماً توجه خاصی به مسائل زنان نخواهند داشت و مسائل زنان از دید آن‌ها مورد غفلت قرار می‌گیرد.

جلال هم که روزنامه‌نگار و ساکن سنندج است با اظهار ناراحتی از راه نیافتن زنان به شورای شهر به نقش ردصلاحیت‌ها در این زمینه اشاره می‌کند. به عقیده او تعدادی از زنان سنندجی از جمله خانم سوسن سوسنی که از فعالین مدنی شهر هم بودند به واسطه ردصلاحیت در این انتخابات فرصت حضور نیافتند و در صورت وجود فضای آزاد انتخاباتی، حتماً شاهد حضور زنان بیشتری در شورای شهر بودیم.

فضای امنیتی از یک سو و ردصلاحیت‌ها از سوی دیگر، هم‌چنین مانع از حضور موثر فعالین مدنی از جمله فعالین حقوق زنان و فعالین کارگری در این انتخابات شد. به همین دلیل فعالین جامعه مدنی حضور پررنگی در شورای شهر سنندج ندارند. به عقیده جلال این مساله هم بازتاب واقعیات اجتماعی سنندج نیست.

عملکرد پرابهام اصلاح‌طلبان سنندج

فضای پرشور انتخابات ریاست جمهوری که زمینه طرح مطالبات انباشته اجتماعی و حضور اقشار به حاشیه رانده شده جامعه را در فضای سیاست فراهم کرد فرصتی بود برای اصلاح‌طلبان در شهرهایی مانند تهران، مشهد، کرج، و اراک تا ضمن حمایت از حسن روحانی لیست منسجمی از کاندیداهای اصلاح‌طلب را برای شورای شهر به مردم عرضه کنند.

اصلاح‌طلبان سنندج اما به راحتی از کنار این فرصت گذشتند. آن‌ها هیچ لیستی به عنوان لیست امید در انتخابات ارائه نکرده و نتوانستند از فضای حمایت مردم از روحانی به خوبی استفاده کنند. این در حالی است که ۷۳ درصد از رای‌دهندگان کردستانی رای خود را به نفع کاندیدای اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان در انتخابات ریاست جمهوری به صندوق‌ها ریختند و از این نظر کردستان بعد از سیستان و بلوچستان دومین استان حامی روحانی در کشور بود. از معدود گروه‌های غیردولتی که به انتشار لیستی در انتخابات شورای شهر سنندج اقدام کرد جماعت دعوت و اصلاح بود که یک تشکل میانه‌رو طرفدار حقوق اهل سنت است. چهار نفر از اعضای این لیست توانستند وارد شورای پنجم سنندج شوند.

در مجموع نتایج انتخابات شورای پنجم سنندج را باید حرکتی به سوی عقلانیت، جوان‌گرایی و تخصص‌گرایی بیشتر تفسیر کرد. از دیگر ویژگی‌های مهم این انتخابات باقی ماندن افرادی از شورای چهارم است که اغلب نقشی در فساد اقتصادی یا پرونده‌های پرابهام مالی نداشتند. از آن جایی که فساد یکی از معضلات اصلی شوراهای گذشته بوده، این اقدام مردم سنندج را باید گامی معنا دار به سوی حمایت از پاکدستی تفسیر کرد.

با این حال، راه نیافتن زنان به شورای شهر سنندج و نیز عدم حضور فعالین مدنی پرشمار و خوشنام سنندج در صحن شورا، باید هشداری برای جامعه مدنی این شهر در نظر گرفت. به ویژه که بسیاری از مشکلات شهر سنندج مانند مسائل محلات حاشیه‌نشین، مشکلات کارگران ساختمانی، گسترش اعتیاد در میان زنان و جوانان و همین‌طور زنانه شدن فقر که خود را به شکل گسترش تن‌فروشی در محلات فقیرنشین سنندج نشان می‌دهد از مسائلی است که اغلب توجه تکنوکرات‌ها را به خود جلب نکرده و نیازمند توجه و حضور پررنگ فعالین جامعه مدنی است.

شورای پنجم یزد؛ امید به بهبود



نویسنده: ماندگاری

استان: یزد

شهر: یزد

چالش‌ها:

• انتخابات شورای پنجم

• ویژگی‌های منتخبان

• زنان شورای پنجم

از همان روز اول کلید خوردن انتخابات شورای یزد که حدود ۳۸۷ نفر برای این نهاد اعلام نامزدی کردند، می‌شد انتظار داشت که انتخابات شورای پنجم یزد پرشور و هیجان‌برانگیز شود. هرچه روند انتخابات پیش رفت، این ارزیابی اولیه تقویت شد. به خصوص که افراد ردصلاحیت شده تنها دو نفر بودند. به بیان دیگر، امکان بسیار خوبی برای رقابت نامزدها و نیز شهروندانی که می‌خواستند به نامزد مطلوب خود رأی دهند، فراهم شده بود. این چنین بود که در نهایت، وقتی اعلام شد که نرخ مشارکت در استان یزد، افزون بر ۹۳ درصد و بیش از دیگر نقاط کشور بوده، اهالی منطقه و پیگیران انتخابات در یزد و ناظران، چندان متعجب نشدند.

کامیابی برای اصلاح طلبان

انتخابات شوراهای پنجم در یزد به سود اصلاح طلبان و حامیان دولت تمام شد. هرچند که در فاصله‌ای نه چندان زیاد با روز انتخابات رأس هرم اردوگاه اصلاح طلبی برای اتخاذ تصمیم دچار مشکل و چالش شد، اما درنهایت بخش‌های مختلفی از اکثریت اصلاح طلبان توانستند با معرفی لیست مشهور به «تکرار امید»، پیرامون نامزدهای مطلوب خود توافق و تبلیغ کنند. حاصل این توافق و هم‌سویی اکثریت اصلاح طلبان منطقه، راه‌یابی شش اصلاح طلب به شورای پنجم یزد بود. دو کرسی به نامزدهای هم‌سو با اصول‌گرایان رسید و سه کرسی را نیز افراد مستقل با مواضع اصلاح طلبانه و هم‌سو با رویکردهای دولت روحانی، به خود اختصاص دادند.

دو منتخب نخست شورای پنجم یزد

نفر اول انتخابات یزد، غلامعلی سفید شد؛ چهره شاخص فهرست مورد حمایت اصلاح طلبان. تنها او و نفر دوم (الهه جورابی، نامزد مستقل) موفق شدند که بیش از ۳۰ هزار رأی کسب کنند. سفید که در سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۰ استان دار یزد بوده، در کارنامه‌اش سرپرستی استان داری چهارمحال و بختیاری و مشاور وزیر مسکن را نیز دارد و درحال حاضر مدیر موسسه‌ای خیریه در یزد است.

اگر پیروزی غلامعلی سفید و اول شدن وی، غیرمترقبه نبود؛ کامیابی الهه جورابی، نامزد مستقل و ایستادن او در جایگاه دوم منتخبان، قابل توجه بود.

جورابی زمانی بدنیا آمد (۱۳۵۵) که سفید درحال دانشجویی در دانشگاه علم و صنعت تهران بود. او فوق لیسانس حقوق و نیز برنامه‌ریزی شهری دارد و در همین رشته دانشجوی دکتراست. جورابی به پشتوانه تبلیغات خوب و نیز کارنامه‌ای که در بیمه داشته (او در سال ۱۳۸۶ نماینده برتر بیمه دانا در کشور شد)، به شناخته‌شدگی خوبی دست یافت. وی عضو هیأت مدیره انجمن‌های صنفی حرفه‌ای استان یزد است و به نوعی جایگاه خوبی در میان تولیدکنندگان شهر دارد.

افزون بر اینها، جورابی نایب رییس هیأت دوچرخه سواری یزد است و در میان بانوان ورزشکار هم مقبولیت دارد. انتخاب او از این زاویه (درخواست زنان یزد به امکانات ورزشی و به خصوص آزادی دوچرخه سواری) قابل تأمل است. جورابی با ۱۵۰۰ رأی کمتر از سفید که بیش از ۳۴ هزار رأی کسب کرد نفر دوم یزد شد.

دیگر منتخبان شورای جدید یزد

سومین منتخب شورای پنجم یزد نیز یک زن شد؛ ونوس عامری. او که بیش از سه دهه آموزگاری کرده و نیز سابقه تدریس در دانشگاه دارد، از فهرست مورد حمایت اصلاح طلبان پا به شورا می‌گذارد. عامری که حسابداری خوانده، مسئول کمیته بانوان ستاد انتخاباتی اصلاح طلبان استان یزد بود.

از شورای چهارم یزد، چهار نفر در شورای پنجم نیز حضور خواهند داشت؛ دو نفر مستقل، یک نفر اصلاح طلب و یک نفر اصول‌گرا.

سپنتا نیکنام، نامزد مستقل و مورد حمایت هموطنان زرتشتی، یکی از این چهار نفر است؛ او موفق شد در رتبه هفتم قرار گیرد و با وجود برخی حواشی و نقدها که از سوی اصول‌گرایان و رسانه‌های آن‌ها، متوجه کارنامه‌اش بود، دوباره در شورای یزد عضو شود. قابل اشاره اینکه رأی او این بار بیش از دور قبل شد.

یک نکته قابل تأمل اینکه در شورای پنجم شهر یزد، برخلاف شورای چهارم، فرد معمم (روحانی) حضور نخواهد داشت. در شورای چهارم یزد، دو روحانی عضویت داشتند. علاوه بر این، هیچ‌کدام از سه زنی که در شورای چهارم عضو بودند، در شورای پنجم حضور نخواهند داشت. هم‌چنین، شورای جدید، یک زن کمتر از شورای قبل دارد. علاوه بر اینها، قابل اشاره است که نفر آخر منتخبان (سیدمحمد علی پاکنژاد، مورد حمایت اصلاح‌طلبان)، تنها با ۱۷ رأی بیشتر از سعیده غالبی (که او هم مورد حمایت اصلاح‌طلبان) بود، عضو اصلی شورای یزد شده است. نکته آخر این‌که حدود ۳۹۱ هزار نفر در یزد واجد شرایط رأی دادن بودند؛ از این زاویه، نفر نخست، حدود ۹ درصد آرای مردم یزد و نفر آخر فهرست منتخبان، حدود ۵ درصد آرای شهروندان یزدی را از آن خود کرده‌اند.

امید به شورای جدید و «مطالبات»

آیا شورای جدید می‌تواند موفق‌تر از شورای قبل باشد و کارنامه‌ای بهتر به‌جا گذارد؟ مهناز، فعال مدنی یزدی به این پرسش، پاسخ مثبت می‌دهد؛ او امیدوار است که «توان تخصصی راه‌یافتگان به شورای پنجم و نیز جایگاه اجتماعی و مقبولیت آنان نزد اکثریت اهالی شهر، می‌تواند شورای یزد را به نهادی موثر و با خروجی بهتر از شورای پیش، تبدیل کند که متأسفانه شورایی خنثی و با کارنامه‌ای نه چندان قابل دفاع بود.»

او هم‌چنین اضافه می‌کند که «هم‌سویی اکثریت شورا با ترکیب دولت مستقر و هم‌دلی آن‌ها با نهادهای اجرایی محلی، می‌تواند پتانسیل و امکان خوبی برای پیشبرد بهتر و بیشتر برنامه‌های شورا و پروژه‌های معلق یا در دست اجرای شهری باشد و شود.»

علاوه بر اینها، این فعال مدنی معتقد است که «به‌نظر می‌رسد اعضای جدید شورا بتوانند بهتر و بیشتر از اعضای شورای قبلی، به تقویت نهادهای مدنی شهر کمک کنند و فضای فرهنگی بهتری در یزد ایجاد نمایند.»

محمدرضا، یکی دیگر از فعالان مدنی شهر که دانش‌آموخته مهندسی است، می‌گوید: «گمان می‌کنم که شورای جدید ترکیب تخصصی‌تر و کارآمدتر و مجرب‌تری از شورای قبل دارد؛ می‌شود با امیدواری منتظر کارنامه و اقدامات آن ماند.»

او اضافه می‌کند که «متوسط سن شورا نیز این انتظار را ایجاد می‌کند که شاهد تحرک بیشتری در این نهاد باشیم. ضمن این‌که نگاه فرهنگی اجتماعی فراخ‌تر و توأم با تسامح و تساهل بیشتری در شورای جدید حضور دارد. چیزی که می‌تواند به نفع جوانان یزد باشد و سرزندگی و شادمانی بیشتری را در شهر متکی به امکانات شورا ایجاد کند.»

زهرآ، فارغ التحصیل دانشگاه است و دوچرخه‌سوار حرفه‌ای و علاقمند به ورزش؛ او هم ضمن ابراز امیدواری به شورای جدید، می‌گوید: «رأی خانم جورابی، و نیز پیروزی فهرست اصلاح‌طلبان خیلی معنادار بود. به نوعی اکثریت شرکت‌کنندگان، و به‌خصوص دختران جوان و زنان یزدی نشان دادند که چه درخواست و مطالبه‌ای دارند و نگاه آنان به مسائل اجتماعی و به‌طور مشخص حقوق مدنی زنان چیست.»

او می‌افزاید: «این‌که زنان از دوچرخه‌سواری منع می‌شوند و با وجود امکانات موجود، محدودیت‌های غیرقانونی و ایدئولوژیک بر آن‌ها بار و تحمیل می‌شود، خودش موجبی بود برای رأی معنادار اکثریت.»

او ابراز امیدواری می‌کند که «منتخبان شورا، قدر این رأی را بدانند و در جهت تحقق خواسته‌های مردم، به خصوص در حوزه فرهنگی و اجتماعی، و رفع تبعیض جنسیتی در

امکانات شهری، قدم بردارند.» اما جنس خواست اهالی یزد، فقط فرهنگی و اجتماعی نیست؛ چنان‌که بسیاری از شهروندان یزدی چشم انتظارند که شورای جدید متکی بر هم‌سویی سیاسی و نزدیکی‌اش با سازمان‌های اجرایی شهر، بتواند قدم‌های اثباتی و جدی برای بهبود وضع آب شهر یزد بردارد و طرح انتقال آب را برای غلبه بر کمبود آب، جدی‌تر پی‌گیرد.

علاوه بر این، تغییر وضع خیابان قیام که موجب اعتراض بسیاری از اهالی شهر و به‌خصوص مغازه‌داران منطقه شده، از جمله اولویت‌های بسیاری از یزدی‌هاست.

رونق گردشگری و استفاده از پتانسیل بافت تاریخی شهر یکی دیگر از موضوعاتی است که بسیاری از اهالی شهر برای تغییر وضع اقتصادی و حتی فرهنگی شهر، به آن امید بسته‌اند. زمان مشخص خواهد کرد که شورای پنجم یزد به چه میزان خواهد توانست از امکانات و اختیارات قانونی خود برای بهبود وضع زندگی اهالی شهر بهره بگیرد و مدد رسان توسعه پایدار یزد شود.

شورای شهر رامسر هم چنان در حسرت یک عضو زن



نویسنده: مرضیه علوی

استان: مازندران

شهر: رامسر

چالش‌ها:

• انتخابات شورای پنجم

• ویژگی‌های منتخبان

• شوراهای مردانه

انتخابات پنجمین دوره شوراهای شهر و روستا هم به پایان رسید اما رامسر هم چنان یک شورای «مردانه» باقی ماند. در پنج دوره گذشته هیچ کدام از نامزدهای زن قادر به کسب آرای لازم برای حضور در ترکیب شورای شهر رامسر نشده‌اند.

در این دوره از انتخابات هم از میان ۴۴ نفری که برای ۵ کرسی شورای شهر رامسر ثبت نام کرده و کل ۳۶ نفرشان تایید صلاحیت شده بودند، تنها دو زن (سوسن موسوی سجاد و معصومه فتوک بزرگر) حضور داشتند که در رقابت «نابرابر» با دیگر نامزدها موفق به کسب آرای اکثریت نشدند.

تعداد اعضای شورای شهر رامسر نیز براساس آخرین اصلاحیه قانون شوراهای ۷ عضو به ۵ عضو کاهش یافت، اما در نهایت سه عضو از اعضای دوره چهارم (هادی حلاجیان، مجید درجانی و سعید صفاتی) توانستند بار دیگر آرای لازم را دریافت و به عنوان منتخبان دوره جدید این

شورا بر کرسی بنشینند. یک عضو دیگر شورای چهارم که اتفاقاً رئیس شورای چهارم هم بود (اسماعیل گوهررستمی)، این بار در انتهای فهرست اعضای علی‌البدل جای گرفت و باید در انتظار تغییرات احتمالی در ترکیب اصلی شورا بنشیند تا شاید فرصت حضور در شورا را بار دیگر پیدا کند.

افزون بر سه عضو سابق شورا که در جمع منتخبین این دوره نیز قرار دارند، محمد جعفر خلخالی و حسن فیلی نیز به ترکیب اصلی شورای پنجم راه یافته‌اند. از نکات جالب توجه در این دوره، جابجایی نفر ششم و پنجم منتخبان، در پی بازشماری چند صندوق بود که با افزایش ۲۵ رأی به آرای منتخب رتبه ششم، او به رتبه پنجم صعود کرد و به شورای شهر راه یافت. در اولین نتایجی که فرمانداری رامسر پس از شمارش آرا اعلام کرده بود، محسن کیهان ثانی با کسب ۲ هزار و ۹۶۵ رأی در رتبه پنجم قرار داشت و به شورا راه یافته بود و پس از او حسن فیلی با ۲ هزار و ۹۶۱ رأی قرار داشت. در پی اعتراض حسن فیلی و طرح شکایت رسمی، جلسه مشترک هیات‌های اجرایی و نظارت شهرستان تشکیل و تصمیم به بازشماری برخی از صندوق‌های مورد اعتراض گرفت. در پی بازشماری ۲۵ رأی به آرای او افزوده شد و همین تعداد با توجه به فاصله اندک بین منتخبان، کافی بود تا جای نفر پنجم و ششم تغییر یابد.

رامسر از شهرستان‌هایی بود که جریان‌های اصلی سیاسی کشور تأثیر چندانی بر انتخاب نهایی اعضای شورا نداشتند. لیست موسوم به «لیست امید» که فهرست خاصی را در این شهر معرفی نکرد و از لیست ۵ نفره «جبهه پیروان خط امام و رهبری» که یک ائتلاف اصول‌گرا است، هم هیچ فردی در جمع منتخبین ترکیب اصلی و علی‌البدل قرار نگرفت.

از نظر تخصص ترکیب شورای شهر رامسر تغییر بنیادینی نکرده است. از سه عضو شورای سابق که به این شورا هم راه یافته‌اند، یکی دامپزشک است و یکی دیگر مهندس عمران؛ آن یکی هم کارشناس مدیریت دولتی. حسن فیلی، عضو تازه این شورا هم دامپزشکی است که کارشناسی حقوق هم خوانده است.

با تشکیل رسمی شورای جدید از مرداد ماه، باید منتظر ماند و دید که آیا شورای تازه قادر خواهد بود که درمانی برای مشکلات و معضلات شهری شهروندان که روزانه با آن‌ها دسته و پنجه نرم می‌کنند، ارائه دهد، و یا در هم‌چنان بر همان پاشنه می‌چرخد و باز هم باید منتظر موسم انتخاباتی دیگر نشست و جنب و جوش و وعده‌های مسوولین در آستانه آن رویداد را تماشا کرد؟!

شورای کرمان؛ اصلاح طلبان چه خواهند کرد؟



نویسنده: سعیدی سیرجانی
استان: کرمان
شهر: کرمان
چالش‌ها:

- انتخابات شورای پنجم
- ویژگی‌های منتخبان
- اصلاح طلبان

ترکیب یازده نفره شورای شهر ۶۰۰ هزار نفری کرمان هم از پس انتخابات ۲۹ اردیبهشت مشخص شد؛ اصلاح طلبان و حامیان دولت، با وجود تمام انتقادهای درون‌گروهی و نقدهایی که متوجه چگونگی نهایی شدن فهرست آن‌ها شد، موفق شدند اکثریت اعضای شورای کرمان را به خود اختصاص دهند. اما این تنها رخداد مهم انتخابات شورای کرمان نبود؛ یک فرمانده ارشد نیروی انتظامی، پس از بازنشستگی موفق شد رتبه نخست انتخابات مزبور را از آن خود کند. حسین چناریان، فرمانده سابق نیروی انتظامی استان کرمان بیش از ۴۸ هزار رأی آورد و به عنوان برگزیده اول اکثریت رأی دهندگان کرمانی، وارد شورای شهر شد. او در فهرست مورد حمایت اصول‌گرایان قرار داشت. با ۵۰۰ رأی کمتر، علی بهرامی از لیست «امید» (مورد حمایت اصلاح طلبان) به عنوان نفر دوم به پنجمین شورای کرمان پا گذاشت.

فهرست اول شهر کرمان

با لیستی نه چندان جوان، که مورد نقد بخش مهمی از فعالان سیاسی اصلاح طلب کرمانی قرار داشت، فهرست «امید» توانست هفت کرسی شورای پنجم (حدود ۷۰ درصد ترکیب شورا) را از آن خود کند.

نکته شاخص و قابل تأمل درباره این فهرست، رأی بیشتر بهرامی، عضو جوان فهرست نسبت به محمد فرشاد، نفر نخست و اصلی فهرست پیشنهادی بود.

بهرامی جوان، با کسب بیش از ۴۸ هزار رأی در رتبه دوم منتخبان ایستاد؛ این در حالی بود که فرشاد پا به سن گذاشته، سرلیست اصلاح طلبان، حدود ۱۶ هزار رأی کمتر آورد و در جایگاه چهارم منتخبان قرار گرفت. پیغام معنادار جوانان کرمان، و حتی بدنه جوان حامی اصلاح طلبان که نسبت به ترکیب و سن بالای لیست معترض بودند.

بهرامی، سردبیر نشریه محلی ندای آزادی را برعهده دارد و فرشاد، معاون استان دار کرمان در دولت اصلاحات بوده است.

قابل اشاره اینکه نفر سوم شهر، زهرا ایران منش، دیگر پیشنهاد اصلاح طلبان کرمانی بود. ایران منش عضو شورای چهارم هم بود، و سابقه سه دوره حضور در شورای کرمان را در کارنامه دارد؛ او حالا یکی از دو زن شورای کرمان است. آرای وی نیز در فاصله ای معنادار با بهرامی قرار داشت (حدود ۱۴ هزار رأی کمتر).

بدنه جوان همراه اصلاح طلبان در کرمان، به این نکته نیز که زنان جوان در فهرست هیچ جایی نداشتند، منتقد بودند.

این چنین، دومین زن پیشنهادی فهرست امید هم جایگاهی بهتر از چهارم علی البدل ها کسب نکرد.

۴۵۰



در حاشیه شورای جدید کرمان

شورای پنجم کرمان در حالی تشکیل می شود که ترکیب ۱۵ نفره آن به ۱۱ نفر تقلیل یافته است. شمار زنان شورای جدید آشکارا کمتر از اعضای زن شورای چهارم هستند. در شورای پیشین ۶ زن عضویت داشتند؛ در حالی که در شورای جدید تنها دو زن حضور دارند که البته هر دو، عضو شورای قبل هم بودند.

یکی دیگر از اعضای زن شورای قبل (زهرا لری) در فهرست انتظار و لیست علی البدل شورا قرار دارد. قابل اشاره این که لری در انتخابات قبل، نفر اول کرمان شده بود و این بار حدود هشت هزار رأی کمتر کسب کرده است.

نکته قابل توجه دیگر اینکه هیچ فرد معمم (روحانی) در شورا حضور ندارد. هم چنین باید افزود که چهار نفر از اعضای شورای چهارم در شورای پنجم ادامه کار خواهند داد. دو نفر از اعضای شورای قبل موفق شده اند که در لیست ذخیره، در صف انتظار ورود به شورا بایستند.

نکته قابل اشاره دیگر، پیروزی رییس شورای چهارم شهر کرمان (علی اکبر مشرفی) بود؛ او که در این انتخابات، به عنوان نامزدی مستقل پا به رقابت گذاشت، توانست در جایگاه دهم قرار بگیرد و یک دوره دیگر عضو شورای کرمان باشد. البته در انتخابات اخیر، او حدود چهار هزار رأی کمتر از دور قبل کسب کرد. اتفاقی که معنادار است.

علاوه بر اینها، باید به میانگین سنی بالای شورای جدید کرمان اشاره کرد؛ در فهرست منتخبان، تنها سه جوان یا میان سال وجود دارد و دیگر اعضا بیش از ۵۰ سال سن دارند.

حسن، یکی از فعالان مدنی کرمان با انتقاد از وضع و نتیجه مزبور می گوید: «فقط می توانم ابراز امیدواری کنم که شورای جدید با جوانان شهر و مطالبات و روحیات غالب جوانان در فاصله

نباشد. اگر جوانان و میان سالان متخصص بیشتری در فهرست منتخبان بودند، به احتمال زیاد امیدواری من و دوستانم بیش از این بود.»
او که از حامیان فهرست «امید» بوده، اضافه می‌کند: «بخشی از مشکل موجود، قطعاً به کیفیت تنظیم لیست پیشنهادی توسط اصلاح طلبان مربوط است.»

واکنش‌ها به ترکیب جدید شورا

اولین نشست عمومی شورای چهارم کرمان پس از انتخابات شورا به صحنه انتقادهای تند از ترکیب جدید شورا تبدیل شد؛ برخی از اعضای اصول‌گرای شورای چهارم از رأی آوردن افراد گمنام و مورد حمایت افراد و مدیران «دخیل در فتنه» انتقاد کردند. انتقادی که آشکارا به پیروزی فهرست «امید» (مورد تأیید اصلاح طلبان) اشاره داشت.
این انتقادهای درحالی مطرح شد که برخی از منتقدان رتبه بهتر از ۳۸ در انتخابات شورای جدید کسب نکردند و تنها موفق به جلب نظر همراه و کسب رأی توسط هفت هزار نفر شدند؛ یا با ۱۴ هزار رأی کمتر از انتخابات دور قبل، جایگاهی بهتر از ۲۴ کسب نکردند؛ واکنش‌هایی معنادار توسط اکثریت مشارکت‌کنندگان در انتخابات، به کارنامه و خروجی برخی از اعضای شورای چهارم.

کاظم، یکی از فعالان مدنی کرمان می‌گوید: «یکی از آقایانی که عضو شورای چهارم بود و در این انتخابات رأی نیاورده، انتقادهای تند و حملات غریبی به برگزیدگان جدید و به خصوص فهرست امید کرده است؛ این درحالی است که ایشان قبلاً قول داده بود که از اقدامات پنهان و تخلف‌های شورای چهارم سخن خواهد گفت.»

وی هم چنین می‌افزاید: «من البته از برخی موضع‌گیری‌های ایشان و بعضی دیگر از اعضا درباره بعضی مشکلات کرمان، مانند تجاری‌سازی میدان مشتاق یا تخریب خانه شهریا پروژه طهماسب‌آباد خوشحالم؛ اما درست نیست که افراد پس از ناکامی در انتخابات، ادبیات گزنده اتخاذ کنند و به منتخبان جدید یا شهروندانی که به آن‌ها رأی داده‌اند، تندی کنند و اتهام بزنند.»

محبوبه، یکی دیگر از فعالان مدنی کرمان نیز معتقد است که «شورای شهر باید صدای مطالبات مردم باشد و خواسته‌های اقشار گوناگون شهر را برای آبادانی لحاظ کند. من خوشحالم که کسانی که با خرج‌های عجیب و غریب و ریخت و پاش تلاش کردند به شورا راه یابند، ناکام ماندند. باور کنید کم نبودند نامزدهایی که هزینه‌های نجومی کردند؛ چنین کسانی در صورت راهیابی به شورا، می‌توانستند یک تهدید بالقوه برای منافع شهروندان کرمان باشند.»

او اضافه می‌کند: «شهری مثل کرمان که صدها میلیارد بودجه دارد و شهرداری‌اش ده‌ها پروژه و مأموریت مهم را در دست اقدام دارد، به منتخبانی نیاز دارد که منافع فردی خودشان را کنار بگذارند. من خوشحالم که ترکیب شورای جدید، چنین است؛ و البته به عنوان یکی از شهروندان کرمانی، هیچ تعارفی در نقد اعضای جدید نخواهم داشت.»

محمد، دانش‌آموخته معماری و فعال رسانه‌ای و گردشگری کرمان هم تأکید می‌کند که «کرمان مرکز بزرگ‌ترین استان کشور است و پتانسیل بسیار باارزشی برای جلب گردشگر دارد؛ این فاکتور مهمی برای توسعه و آبادانی شهر محسوب می‌شود.»

او معتقد است که «طرح بحث گردشگری به ادبیات تبلیغاتی و انتخاباتی اغلب نامزدها در این دوره از انتخابات، نکته بسیار مهمی بود؛ خوشحالم که این بحث هم در سطح کلان مطرح شد و هم در سطوح پایین‌تر و بدنه حامی نامزدها. ضمن اینکه حضور برخی چهره‌های شناخته‌شده صنعت گردشگری در متن رقابت‌های انتخابات شورا خیلی باارزش بود.»

وی به «امضای میثاق نامه حمایت از گردشگری توسط اعضا فهرست امید، و نیز تاکید شماری از نامزدها به بحث گردشگری در برنامه های تبلیغاتی و انتخاباتی خود» اشاره و ابراز امیدواری می کند که شورای جدید بتواند گام موثری در این خصوص بردارد و به توسعه شهر کرمان کمک کند.

با چنین نگاهی به شورای جدید، کرمان مدیریت کلان شهری جدید خود را برای چهار سال شناخته است. رضا از فعالان مدنی شهر به نقل قولی از یکی از منتخبان جدید شورا اشاره می کند؛ وی که از فهرست مورد حمایت اصول گرایان وارد شورا شده، گفته است که «اولویت من در شورای پنجم، هم دلی بین اعضای شورا است تا بتوانیم فارغ از جناح بندی های سیاسی به پیشرفت شهر کمک کنیم.»

رضا می گوید: «صمیمانه امیدوارم که این اتفاق رخ دهد؛ و شورای جدید بدون نزاع های سیاسی بیهوده، و مبتنی بر نظریات کارشناسی و تخصصی و فقط در راستای تحقق رفاه بیشتر اهالی کرمان، وظایف قانونی خود را پی بگیرد.»

استقبال اردبیلی‌ها از زنان درانتخابات شوراها



نویسنده: سارا میکائیلی

استان: اردبیل

شهر: اردبیل

چالش‌ها:

• انتخابات شورای پنجم

• ویژگی‌های منتخبان

• زنان شورای پنجم

با پایان یافتن انتخابات و برگزیده شدن اعضای شورای پنجم شهرها و روستاها، امید مردم برای تغییر به سوی بهبود شرایط و وضعیت محیط زندگی‌شان بیشتر شده است؛ به ویژه که در اکثر مناطق تحولی چشم‌گیر در ترکیب اعضای شوراها به وجود آمده است.

بنا بر اعلام دبیر ستاد انتخابات استان اردبیل، بیشترین آمار داوطلبان شوراها این استان مربوط به رده سنی ۳۶ تا ۴۰ سال بود و به نظر می‌رسد این میانگین در منتخبان شوراها نیز تثبیت شده است. ماریا موسوی می‌گوید: کل داوطلبان شوراها شهری و روستایی در استان اردبیل ۶ هزار و ۶۰۳ نفر بودند که از این میان ۹۴۴ داوطلب شورای شهر و ۵ هزار و ۶۵۹ نفر نامزد شوراها روستایی شده بودند. ۶ هزار و ۴۳۶ نفر کاندیدای مرد و تنها ۱۶۷ کاندیدای زن در استان اردبیل ثبت نام کرده بودند و از میان داوطلبان ۵۴۵ تن سابقه عضویت در شوراها را داشتند.

بارقه‌های امید برای حضور زنان در مدیریت استان اردبیل

با وجود شرکت تنها ۱۶۷ زن به عنوان کاندیدا در انتخابات شورای شهر و روستاهای اردبیل، حضور زنان در میان منتخبان چشمگیر است و این نشان از اعتماد بالای مردم استان اردبیل به زنان است.

ندا میرزائق، فعال مدنی در استان اردبیل با بیان این مطلب، درباره جایگاه زنان در شوراهای شهری و روستایی استان اردبیل می‌گوید: حضور دو زن در میان منتخبان شورای پنجم شهر اردبیل که یکی از آنان به نام زهرا قدیمی بیشترین رای را کسب کرده است، موضوعی قابل توجه است. دومین زن منتخب شورای اردبیل در این دوره رویا کنعانی است که هر دو از لیست امید انتخاب شده‌اند. اعتماد مردم استان اردبیل به زنان در این دوره انتخابات یکی از ویژگی‌های این دوره شوراهای شهر است. ندا مرادجو چهره جدید شورای شهر نمین به عنوان عضو اصلی و ماریا جعفری رئیس شورای چهارم نمین به عنوان عضو علی‌البدل انتخاب شدند. در خلخال شهناز شاطری به شورا راه یافته، در بیله‌سوار عالیه هژیر، حماله گلستانی و سیده فهیمه مشقاتی به ترتیب به عنوان اعضای اصلی و علی‌البدل شهرستان کوثر انتخاب شده‌اند. او ادامه می‌دهد: در شهر گرمی نرگس خاقانی برای عضویت در شورا انتخاب شده است. سمیه زایدی نخستین برگزیده شورای مشگین شهر است. مریم مهدوی عضو اصلی و سیده زهرا سید تازه کند، عضو علی‌البدل شورای شهر انگوت شده‌اند. در پارس آباد مغان نیز نام سارا برزگر در میان اعضای علی‌البدل شورا جا گرفته است.

بررسی آمار منتخبان حوزه شهری شوراهای استان اردبیل نشان می‌دهد که از میان ۹۴ عضو برگزیده شورای شهر ۱۳ نفر زن هستند. یعنی حدود ۱۴ درصد از برگزیدگان شوراهای شهری استان اردبیل زن هستند. این آمار با توجه به ثبت نام ۲ و نیم درصدی زنان بسیار قابل توجه است و نشان می‌دهد هرچند زنان کمتر به حضور در شوراهای شهر تمایل نشان داده‌اند، اما با توجه به عملکرد جامعه مدنی در استان اردبیل، مردم به حضور زنان در مدیریت شهری این استان اعتماد دارند و ظرفیت جامعه برای حضور زنان در مناصب مدیریتی بیشتر است.

اعتماد روستانشینان شهرستان نمین به حضور زنان در شوراها

به گفته ندا میرزائق، نکته امیدوارکننده دیگر عضویت زنان در شوراهای روستایی استان اردبیل است. او با اشاره به یک پژوهش میدانی در حوزه انتخاباتی شهرستان نمین و توابع آن توضیح می‌دهد: هرچند این پژوهش میدانی آمار تمامی روستاهای استان اردبیل را در اختیار ندارد، اما به طور مثال در روستاهای شهرستان نمین برگزیده شدن خانم‌ها رقیه عزیزی در شورای روستای نیارق، خانم نبات زاده در روستای جید، و فرشته ولی زاده در روستای کلش نشان می‌دهد با وجود پیشینه مدیریت سنتی مردانه در این منطقه از کشور، مردم استان اردبیل به حضور زنان در اداره شهرها و روستاها اطمینان بیشتری می‌کنند و فضا برای حضور اجتماعی زنان مهیاتر است.

خانم میرزائق می‌گوید: اگر اسامی این سه زن برگزیده در شوراهای روستایی را نیز به آمار بالا بیافزاییم، درصد منتخبان زن بیشتر نیز خواهد شد، اما با توجه به در اختیار نبودن لیست تمام زنان برگزیده در شوراهای روستایی استان اردبیل، از ارائه این آمار می‌پرهیزم. به گفته این فعال مدنی، اکنون کل جامعه استان اردبیل، با وجود ساختار روستایی و پیشینه تاریخی مردسالارانه، برای حضور اجتماعی زنان آماده است و شاید وظیفه فعالان مدنی از این به بعد این است که روی اعتماد به نفس زنان بیشتر کار کنند و آن‌ها را به پیش قدم شدن برای حضور در جایگاه‌های مدیریتی شهری و سایر مناصب تشویق کنند.



او تاکید می‌کند: تحصیلات دانشگاهی زنان باید به کار گرفته شود و اثر مثبت خود را بر جامعه محلی نشان دهد. این در واقع علاوه بر پررنگ‌تر کردن نقش زنان به عنوان نیمی از جامعه در مدیریت شهری باعث می‌شود نیروهای تازه نفس با ایده‌های نو و خلاق چهره فرهنگی و اجتماعی منطقه را بهبود بخشند و از سویی ضمن تشویق دختران به داشتن آرزوهای بزرگ‌تر، فضای سیاسی اجتماعی جامعه را برای حضور زنان در پست‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری بزرگ‌تر مثل استان‌داری، نمایندگی مجلس و حتی وزارت آماده می‌کند.

ندا میرزانی، با ابراز امیدواری نسبت به بهبود وضعیت بهداشتی، رفاهی، اقتصادی و اشتغالی زنان در استان اردبیل می‌گوید: قطعاً حضور زنان در شوراهای شهر و روستا در افزایش حضور اجتماعی زنان و بهبود وضعیت آنان موثر است و می‌تواند بر نگرش مردان عضو شورا نیز تاثیرگذار باشد.

دور چهارم شوراهای اسلامی شهر و روستا روز سیزدهم مرداد ماه ۱۳۹۶ پایان می‌یابد و روز چهاردهم مرداد شوراهای پنجم آغاز به کار خواهند کرد. چشم امید مردم شهرها و روستاها در سراسر کشور، از جمله در استان اردبیل به اعضای شوراهاست تا ببینند چقدر به شعارها و اهداف اعلام شده در تبلیغات انتخاباتی خود عمل خواهند کرد و چه تحولی در بهبود وضعیت شهر و روستایشان به وجود خواهند آورد.

شورای پنجم بندرعباس؛ تغییرنسب



نویسنده: مسعود بندری

استان: هرمزگان

شهر: بندرعباس

چالش‌ها:

• انتخابات شورای پنجم

• ویژگی‌های منتخبان

• زنان شورای پنجم

تکلیف شورای پنجم شهر ۵۴۳ هزار نفری بندرعباس هم مشخص شد. در شورای ۱۱ نفره آتی، دو نفر زن حضور دارند و به شکل قابل توجهی، نفراول انتخابات، یک زن شده است. هم چنین در شورای پنجم بندرعباس، پنج عضو از ۱۳ عضو شورای پیشین حضور خواهند داشت.

۱۱ منتخب جدید از میان ۱۸۱ نامزد تأیید صلاحیت شده، به شورای پنجم راه یافته‌اند. صلاحیت ۱۸ نامزد مورد تأیید قرار نگرفت. به بیان دیگر، برای هر کرسی در انتخابات شورا، ۱۶ نامزد وجود داشت. و پیروزی مهم از دل رقابتی سنگین رخ داد؛ رقابتی که نشانه‌هایش در همه جای شهر به چشم می‌خورد. متأسفانه کمتر جایی در بندرعباس بود که از پوستر و پلاکارد نامزدها، خلاصی یافته باشد؛ حتی درختان که تصویری نازیبا و آزاردهنده برای بسیاری شهروندان به خصوص حامیان محیط‌زیست ایجاد کرده بود.

تعداد نامزدهای هم‌سو با اردوگاه اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان و نیز نامزدهای مستقل، به‌وضوح بیش از نامزدهایی بود که با پرچم اصول‌گرایان وارد رقابت شدند. البته کم نبودند اصول‌گرایانی که خود را با عنوان مستقل، وارد میدان رقابت کردند. اما داده‌های مرتبط با انتخابات شورای بندرعباس، محدود به این‌ها نیست. در زیر برخی از سرفصل‌های مهم مرتبط با انتخابات مزبور در مرکز استان هرمزگان مرور شده است.

خیز بلند یک زن

فاطمه جراره، کارشناس ارشد حقوق که در شورای چهارم نیز حضور داشت و منشی شورا بود، بیشترین رأی را در انتخابات اخیر کسب کرده است. او از فهرست مورد حمایت اصول‌گرایان و جبهه پایداری، پا به شورای جدید می‌گذارد. جراره، کارمند استان‌داری هرمزگان است و موفق شده نسبت به دوره قبل، ۶۰۰۰ رأی بیشتر کسب کند؛ توفیقی بالارزش برای او و حامیان سیاسی‌اش. او در این دوره حدود ۲۵ هزار رأی آورده است.

برادر وی، ابوالقاسم جراره رئیس ستاد انتخاباتی رئیسی در استان هرمزگان بود و نماینده سابق مجلس و از طیف تندرو اصول‌گرایان و هم‌فکران مصباح یزدی. آیا جراره موفق خواهد شد که ریاست شورای شهر را نیز برعهده گیرد؟ رضا از کنش‌گران مدنی شهر می‌گوید: «امیدوارم چنین اتفاقی رخ ندهد؛ بالاخره ریاست شورا اهمیت دارد و نیاز به تجربه و وزن و کارنامه مدیریتی بیشتری دارد. هرچند خانم جراره رأی اول را آورده، اما این دلیل نمی‌شود که فرد مجرب‌تر و توانمندتری از وی در شورا وجود نداشته باشد.»

۴۵۷



از سکوی اول به رتبه دوم، و سومی معنادار

اسلام باوقار عضو شورای چهارم، در انتخابات اخیر نفر دوم شورای بندرعباس شد؛ او نسبت به دور قبل حدود دو هزار رأی کمتر کسب کرده است. او هم مانند جراره کارشناس ارشد حقوق است. وی هم چنین ریاست هیئت تیراندازی با کمان استان هرمزگان را برعهده دارد و مشاور ورزشی استان‌دار است. پس از وی، فیصل دانش، نامزد هم‌سو با دولت روحانی با ۱۵۱ رأی کمتر، سوم شده؛ او که از شهروندان اهل تسنن بندرعباس است، در دوره‌های دوم و سوم نیز عضو شورای شهر بوده است.

دانش ابتدا توسط هیأت نظارت استان رد صلاحیت شد؛ اما بعدتر توسط هیأت عالی نظارت کشور به رقابت برگشت و بیش از ۲۱ هزار رأی آورد. دانش در تکواندو قهرمان جهان و المپیک بوده؛ او ۳۱ سال است ریاست هیأت تکواندو هرمزگان را برعهده دارد.

نتایج و جایجایی‌های معنادار

علاوه بر جراره و باوقار (نفرات اول و دوم)، کیانوش جهانبخش، پرویز سالاری و هومن رفیعی بندری نیز سه نامزدی بودند که نتوانستند از شورای چهارم به شورای پنجم راه یابند. دو نفر اول هم رأی بیشتری از دور قبل کسب کردند و هم رتبه خود را بهتر کردند. جهانبخش از نامزدهای مستقل محسوب می‌شود؛ سالاری، اصول‌گراست و سرپرستی روزنامه کیهان را در هرمزگان برعهده دارد؛ و رفیعی نیز نامزد مستقل و مورد حمایت اهل سنت است. رفیعی نیز مانند دانش ابتدا توسط هیأت نظارت استان رد، و بعد توسط هیأت نظارت کشور

تأیید شد و کامیاب. او در رتبه آخر ایستاد و وارد شورای پنجم شد. نکته قابل اشاره، سقوط نفرت دوم و چهارم انتخابات شورای چهارم (مهران نجاتی و رضا حیدری زاده) به فهرست ذخیره و لیست علی البدل شورای بندرعباس است.

لیست‌ها و ائتلاف‌های ناکام

از نامزدهای مورد حمایت اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان، فیصل دانش و آبتین امیری هردو به پشتوانه حمایت و رأی اهل سنت راهی شورای شهر بندرعباس شدند. امیری، دانشجوی دکترای حقوق و عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه استان هرمزگان است؛ او هم چنین در دو نشریه محلی استان، سردبیر است. با اطمینان می‌توان مدعی شد که فهرست مورد حمایت اصلاح‌طلبان، ناکام مانده و اگر اقبال اهل سنت و پتانسیل و شهرت و سابقه دو نامزد مزبور نبود، ای بسا که آنان کسی را در شورای پنجم نداشتند.

وضع مخالفان و منتقدان دولت روحانی (اردوگاه اصول‌گرایان) نیز چندان بهتر از حامیان دولت و اصلاح‌طلبان نیست؛ لیست «ائتلاف بندر» که بدون تابلو و پرچم، اصول‌گرایان شهر را نمایندگی می‌کرد نیز تنها سه نفر را روانه شورای پنجم کرد: جزاره، سالاری و عامری. به بیان دیگر، ظاهراً اقبالی به فهرست‌ها در بندرعباس صورت نگرفته، و اقشار مختلف، تنها به گزینه‌های مشخصی از برخی فهرست‌ها رأی داده یا مستقل‌هایی را برگزیده‌اند. به عنوان نمونه، از فهرست «ائتلاف هم‌دلی و پاکدستی»، باوقار راهی شورا شده؛ و از لیست مورد حمایت «انجمن اسلامی معلمان هرمزگان» مجید عسکری زاده، که البته نزدیک به اردوگاه اصول‌گرایان است.

جز اینها، سایر فهرست‌ها و ائتلاف‌ها نتوانسته‌اند جلب توجه کنند؛ چنان‌که دو لیست مشهور شهر («تا بندرعباس ۱۴۰۰») و «ائتلاف بزرگ شهروندان» که تبلیغات زیادی نیز داشتند، ناکام ماندند. ائتلاف «وفاق و کارآمدی» نیز نتوانست کسی را روانه شورای شهر کند. این چنین، مستقل‌ها با حمایت شهردار بندرعباس یا به پشتوانه شناخته‌شدگی محلی و خانوادگی و تبلیغ، توانستند دست‌کم نیمی از ترکیب شورا را از آن خود کنند.

چند حاشیه قابل توجه

حاشیه‌های معنادار انتخابات شورای پنجم بندرعباس کم نیست؛ برخی از نکات قابل توجه عبارتند از:

اول؛ اختلاف رأی بسیار کم میان نفر آخر فهرست منتخبان با لیست علی‌البدل و ذخیره. اسماعیل بواشه تنها ۲۵ رأی کمتر از نفر یازدهم (رفیعی) دارد که با ۱۶۷۲۹ رأی وارد شورا شده است.

دوم؛ در برخی نظرسنجی‌ها که توسط بعضی از کانال‌های تلگرامی منطقه‌ای صورت گرفت، نتایج قابل توجهی به دست آمد؛ از جمله این‌که در یک مورد تنها سه درصد پاسخ‌دهندگان اعلام کردند که برنامه نامزدها در کامیابی آن‌ها موثر بوده است. هم‌چنین در یک نظرسنجی دیگر، تنها نیمی از پاسخ‌دهندگان اعلام کردند که در انتخابات شوراها به شش تا ۱۱ نفر رأی داده‌اند.

سوم؛ در شورای پنجم دو زن حضور دارند. این درحالی است که شورای چهارم بندرعباس، شاهد حضور سه زن بود. بجز جراه که در این انتخابات پیروزی قابل توجهی کسب کرده، و هم چنان در شورا خواهد بود؛ پروین علیزاده، عضو شورای چهارم که در جایگاه هفتم انتخابات قبل قرار داشت، این بار رتبه‌ای بهتر از ۴۵ کسب نکرده است. راحله ملایی هم که نفردهم انتخابات قبل بود، این دفعه در جایگاه ۵۷ ایستاده است.

چهارم؛ در شورای جدید برخلاف شورای قبل یک معمم (روحانی) نیز حضور دارد؛ احمد عامری سیاهویی، سردفتر ازدواج است و مسئول دفتر شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه استان هرمزگان. این‌که چقدر این جایگاه، موجب حمایت نهادهای وابسته از حکومت به او شده و در پیروزی‌اش موثر بوده، معلوم نیست. عامری در رتبه هشتم قرار گرفته و حدود ۱۷ هزار و ۵۰۰ رأی کسب کرده است.

پنجم؛ هرچند فرمانداری بندرعباس نتایج انتخابات شوراها را اعلام کرده اما شماری از نامزدها نسبت به روند برگزاری انتخابات و شمارش آرا شکاک هستند. آن‌ها اعتراضی کتبی تهیه کرده و به ستاد مرکزی برگزاری انتخابات در استان هرمزگان تحویل داده‌اند. برخی رسانه‌ها مدعی شده‌اند که احتمال تغییر نتایج انتخابات وجود دارد.

ششم؛ متاسفانه شنیده‌هایی درباره وقوع برخی تخلف‌ها (ازجمله توزیع «کارت شارژ» به منظور ترغیب رأی‌دهی به گزینه خاص) در جریان برگزاری انتخابات شوراها، وجود دارد؛ اتفاقی که در متن واقعیت‌های تلخ و محرومیت‌های موجود، چندان غیرمترقبه نیست.

هفتم؛ انتخابات شوراها در بندرعباس درحالی برگزار شد که «برنامه» محوری به حاشیه رفت؛ اگر هم چیزی با عنوان برنامه منتشر شد، چندان مورد اعتنای اکثریت قرار نگرفت و ارتباطی با جامعه برقرار نکرد. به عنوان نمونه یکی از نامزدها در اولین بند از اهداف انتخاباتی خود نوشته بود: «افزایش عدالت اجتماعی و حقوق برابر از طریق بسترسازی جهت ارائه خدمات و تسهیلات لازم به افراد دارای شرایط خاص جسمانی».

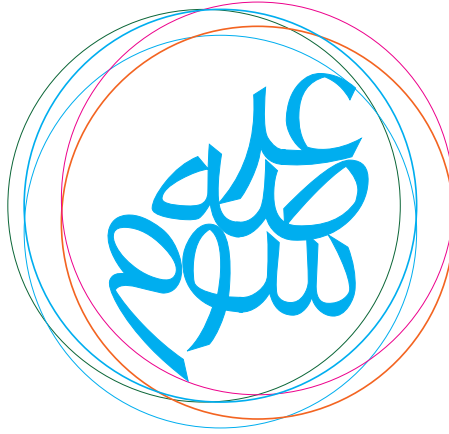
این‌که چنین جمله و ادعایی چقدر مورد فهم و پذیرش مخاطبان قرار می‌گیرد، البته پرسش بی‌پاسخی است.

حجت، یکی از کنش‌گران مدنی بندرعباس معتقد است که تغییر ترکیب شورای این شهر، چنان‌که پیش‌بینی می‌شد و انتظار می‌رفت رخ نداده؛ به عقیده او: «اگرچه نیمی از اعضای شورا تغییر کرده‌اند اما متاسفانه گزینه‌های مناسب‌تر و توانمندتری وجود داشتند که از راهیابی به شورا بازماندند.»

وی ابراز امیدواری می‌کند که «پتانسیل جوان شورا و ترکیب تقریباً متنوع آن، بتواند موجب افزایش کارآمدی و تحرک شورا شود.»

به باور وی: «تکثر دیدگاه‌ها و حضور همه سلاقی و نگاه‌ها در شورا، می‌تواند هم یک مزیت باشد و هم یک تهدید. این وضع، فرصتی است برای مشورت و هم‌فکری و درنهایت همکاری همه جناح‌ها و نمایندگان افشار اجتماعی ساکن بندرعباس برای بهبود کیفیت زندگی اهالی منطقه، و البته تهدیدی است چراکه می‌تواند موجب چالش و تضاد و رقابت شود.»

زمان ثابت خواهد کرد که شورای جدید در مقایسه با شورای پیشین، چه کیفیت و کارنامه‌ای دارد و اعضای جدید چگونه در کنار اعضای سابق، انجام وظیفه خواهند کرد.



درباره عرصه سوم

سازمان غیردولتی و ناسودبر «عرصه سوم» در سال ۱۳۸۹ / ۲۰۱۰ در آمستردام (هلند) بنیان نهاده شد و به ثبت رسید. این سازمان به کوشش گروهی از کنشگران مدنی و شخصیت‌های علمی ایرانی و غیرایرانی در هلند با اهداف زیر شکل گرفته است:

- ترویج و گسترش اندیشه‌های مدنی، صلح‌آمیز، دموکراسی و حقوق بشر
- ظرفیت‌سازی سازمان‌ها، کنشگران جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر
- ترویج و گسترش اخلاق مدنی و فرهنگ کارهای داوطلبانه
- آسان‌سازی دسترسی، گردش و مبادله آزاد اطلاعات
- و ایجاد فضایی مناسب برای تبادل نظر، گفت‌وگو بین کنشگران جامعه مدنی و دیگر گروه‌های اجتماعی

از دیدگاه پایه‌گذاران «عرصه سوم»، جامعه مدنی کانون مقاومت، تهدید قدرت سیاسی و عرصه قدرت‌یابی شهروندان است. جامعه مدنی مرکز بروز خلاقیت‌ها، ابتکارات تازه اجتماعی و مدرسه آموزش و تمرین دموکراسی، تساهل، مدارا، شهادت و اخلاق مدنی است. جامعه مدنی هم‌چنین کانون تولید، انباشت سرمایه اجتماعی و عرصه آزادی، رهایی و برابری است.

تعریف جامعه مدنی از

منظر عرصه سوم

جامعه مدنی دارای تعاریف گوناگونی است. در میان این تعاریف، «عرصه سوم» تعریف زیر را برای جامعه مدنی برگزیده است:

از نگاه «عرصه سوم»، جامعه مدنی مجموعه‌ای از سازمان‌های رسمی و نیمه رسمی است که پایه‌ها و رویه‌هایی چون دموکراسی، همکاری، حقوق، کثرت‌گرایی، صلح و عدالت را در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی پشتیبانی و توانمند می‌کنند.

این سازمان‌ها خارج از نفوذ و اراده دولت‌ها قرار دارند و پیگیرانه از راه گفت‌وگو و فشار بر نهادهای دولتی، مسئولیت دولت‌ها را در برابر حقوق شهروندی یادآور و خواسته‌های شهروندان را مطالبه می‌کنند.

بر پایه این تعریف، «عرصه سوم» مأموریت خویش را به عنوان یک سازمان جامعه مدنی فراهم ساختن ابزار، منابع و فرصت‌ها برای آموزش و همکاری با این سازمان‌ها برای توانمندسازی و کثرت‌گرایی در داخل و خارج ایران و جوامع مرتبط می‌داند.

«عرصه سوم» بر این باور است که عدم رعایت حقوق بشر و نبود صلح و دموکراسی، سه معضل اصلی جامعه ایران است. از این رو می‌کوشد تا ارتقاء دهنده‌ی حقوق همه گروه‌های جامعه و نیروهای اجتماعی از هر جنس، مذهب، قوم و گرایش سیاسی غیر خشونت‌آمیز باشد. برای حرکت به سوی یک جامعه دموکراتیک، بررسی موانع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر در آن جامعه اهمیت دارد. «عرصه سوم» در تحقق تلاش‌های جنبش حقوق مدنی، سیاسی در ایران، برای ظرفیت‌سازی، تامین نیازهای آینده و گسترش جامعه مدنی دموکراتیک، با رهبران و فعالان جامعه مدنی ایرانی همکاری می‌کند.

در سی سال اخیر با بازگشت جامعه مدنی به عرصه دانشگاهی و سپهر عمومی، نقش آن در گوشه و کنار به شکل چشم‌گیری رشد و گسترش یافته است. به همین دلیل عده‌ای از پژوهشگران، جامعه مدنی را بزرگ‌ترین پروژه هزاره نو می‌نامند.

بنابراین جامعه مدنی به مثابه عرصه سوم در روند گسترش صلح و دموکراتیک‌سازی، به دلیل برخورداری از توانایی‌هایی چون: نمایندگی گروه‌های اجتماعی، پیوند نزدیک‌تر و گسترده‌تر با جوامع محلی، پیگیری خواسته‌های آنان، بازتاب دادن صدای مردم و گروه‌های به حاشیه رانده شده، فراهم ساختن ابزارها و فرصت‌های لازم برای ارائه و بیان دیدگاه‌های شهروندان، توانمند ساختن شهروندان برای پیکار و تغییر سیاست‌های عمومی، ساختن جهانی دیگر و از دیگر بازیگران توسعه (دولتی و خصوصی) متمایز می‌شوند.

جامعه مدنی تلاش می‌کند در الگوی تازه توسعه و فرایند دموکراتیک‌سازی، الگوی جدیدی از کارایی و کارآمدی، پاسخ‌گویی، شفافیت، نهادینه ساختن تنوع و نظم انجمنی در جامعه ارائه دهد.

در چند دهه اخیر، جامعه ایرانی نیز با پایان جنگ ایران-عراق، فروکش کردن هیجان‌های انقلابی، افول پوپولیسم، غیرایدئولوژیک شدن جامعه و مسلط شدن گفتمان توسعه، همگام با دگرگونی‌های جامعه جهانی و موج سوم دموکراسی، شاهد بازگشت اما آرام جامعه مدنی بوده است.

در این سال‌ها جامعه مدنی ایرانی به رغم محدودیت‌ها و تنگناها و وجود کانون‌های مقاومت، از رشد، تنوع و پویایی نسبتاً چشمگیر برخوردار بوده است:

در یک دهه اخیر و پس از تغییرات گسترده‌ای که در صحنه فعالیت‌های سیاسی و مدنی در ایران رخ داده به نظر می‌رسد تلاش برای گسترش جامعه مدنی، قدرت‌یابی شهروندان، دفاع از آزادی انجمن‌ها و حقوق شهروندی، تلاش برای حفاظت از محیط‌زیست و تواناسازی محیط‌های سیاسی و اجتماعی، از مهم‌ترین دغدغه‌ها و اهداف استراتژیک کنش‌گران جامعه مدنی است.

پایه‌گذاران «عرصه سوم» در همراهی با این دگرگونی‌های گسترده، امیدوارند بتوانند در راه پویایی و توانمندسازی جامعه مدنی ایران در این مقطع زمانی گامی مثبت برداشته و به شکل‌گیری هر چه بهتر جامعه مدنی در ایران کمک کنند.

از این رو هیات مدیره، مشاوران و همکاران «عرصه سوم» نیز به منظور تحقق این اهداف از ترکیب متنوعی تشکیل شده است. در سازمان از تخصص‌های گوناگون کارشناسان و فعالان مدنی که هر یک پژوهش‌ها و تجارب متنوعی درباره جامعه ایران داشته‌اند استفاده شده است. این ترکیب ناشی از نگاه مستقل «عرصه سوم» نسبت به مسائل جامعه مدنی است.



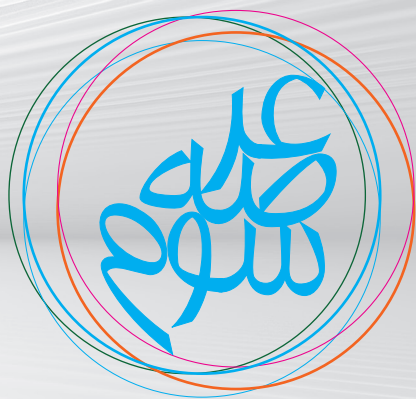




سازمان غیردولتی و ناسودبر «عرصه سوم» در سال ۱۳۸۹ - ۲۰۱۰ در آمستردام هلند بنیان نهاده شد و به ثبت رسیده است. این سازمان به کوشش گروهی از کنش‌گران مدنی و شخصیت‌های علمی ایرانی و غیرایرانی در هلند با اهداف زیر شکل گرفته است:

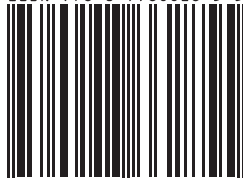
- ترویج و گسترش اندیشه‌های مدنی، صلح‌آمیز، دموکراسی و حقوق بشر
- ظرفیت‌سازی سازمان‌ها، کنش‌گران جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر
- ترویج و گسترش اخلاق مدنی و فرهنگ کارهای داوطلبانه
- آسان‌سازی دسترسی، گردش و مبادله آزاد اطلاعات
- ایجاد فضایی مناسب برای تبادل نظر و گفت‌وگو بین کنش‌گران جامعه مدنی

از دیدگاه پایه‌گذاران «عرصه سوم»، جامعه مدنی کانون مقاومت، تهدید قدرت سیاسی و عرصه قدرت‌یابی شهروندان است، جامعه مدنی مرکز بروز خلاقیت‌ها، ابتکارات تازه اجتماعی و مدرسه آموزش و تمرین دموکراسی، تساهل، مدارا، شهامت و اخلاق مدنی است. جامعه مدنی هم‌چنین کانون تولید، انباشت سرمایه اجتماعی و عرصه آزادی، رهایی و برابری است.



www.darsahn.org

ISBN 978-0-9986628-5-5



9 780998 662855

[Minahassastraat 1
1094 RS, Amsterdam
The Netherlands]

[www.arsehsevom.org
contact@arsehsevom.org
press@arsehsevom.org]